

الله
الرحمن

آب حیات



سرشناسه	: حسن زاده، جعفر، ۱۳۶۴-
عنوان و نام پدیدآور	: پرتوی اجابت / نویسنده جعفر حسن زاده؛ تهیه و تدوین اداره تولیدات فرهنگی آستان قدس رضوی.
مشخصات نشر	: مشهد: انتشارات قدس رضوی، ۱۳۹۲.
مشخصات ظاهری	: ۹۶ ص: ۱۲*۱۷ س.م.
شابک	: ۹۷۸-۶۰۰-۲۹۹-۰۷۱-۶
وضعیت فهرست نویسی	: فیبا
یادداشت	: کتابنامه.
موضوع	: دعا - - فلسفه
موضوع	: دعا - - فلسفه
شناسه افزوده	: آستان قدس رضوی. اداره تولیدات فرهنگی
شناسه افزوده	: مؤسسه انتشاراتی قدس رضوی
رده بندی کنگره	: ۱۳۹۲ ح۴/ ۲۶۶ Bp
رده بندی دیویی	: ۲۹۷ / ۷۷
شماره کتابشناسی ملی	: ۳۲۵۱۴۲۵



هستگاه

پرتو اجابت

تهیه و تدوین: اداره تولیدات فرهنگی آستان قدس رضوی

به کوشش: جعفر حسن زاده

ناشر: انتشارات قدس رضوی

صفحه آرایشی: محمود بازدار

نوبت چاپ: اول - ۱۳۹۲

شمارگان: ۳۰۰۰

چاپ: مؤسسه فرهنگی قدس

شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۲۹۹-۰۷۱-۶

نشانی تهیه کننده: مشهد، حرم مطهر، صحن جامع رضوی، ضلع غربی، اداره تولیدات فرهنگی

تلفن: ۰۵۱۱-۲۰۰۲۵۶۷

صندوق پستی: ۳۵۱-۹۱۷۳۵

حق چاپ محفوظ است.

فهرست

مقدمه / ۹

بخش اول / نیاز به دعا و ارتباط / ۱۱

آفرینش انسان / ۱۲

عشق؛ مُرکب پرواز / ۱۴

غذای روح / ۱۵

نیاز به ارتباط / ۱۶

مهم‌ترین راهکار / ۱۷

ما ضعیف و هیچ هستیم! / ۱۸

چرا غرور؟ / ۱۹

فرصتی برای عروج / ۲۰

تفکر در امر خداوند / ۲۱

خلاصه بخش اول / ۲۲

بخش دوم / خاصیت و شرایط دعا / ۲۳

سلاح مؤمن / ۲۴

برکات دعا / ۲۵

رابطه مناجات با تفکر / ۲۶

اهمیت دعا / ۲۷

أدعونی / ۲۸

اثرات دعای کمیل / ۲۹

اثرات گفتن و شنیدن / ۳۱

فلسفه دعا / ۳۲

نتایج ارتباط با خدا / ۳۳

اثرات دعا / ۳۴

دعای مقاتل بن سلیمان / ۳۵

آرام بخش دل‌ها / ۳۶

شیرینی بندگی / ۳۷

دعا برای افراد در سیره اهل بیت علیهم‌السلام / ۳۸

شرایط دعا / ۴۰

معرفت به خدا / ۴۱

اکسیر اعظم / ۴۲

معرفت؛ رمز قبولی / ۴۳

معرفت اجمالی، معرفت تفصیلی / ۴۴

- کسب معارف / ۴۵
دعا همراه عمل / ۴۶
از تو حرکت / ۴۷
لقمه حلال / ۴۸
تجاوز و گرفتاری / ۴۹
اثرات لقمه حرام / ۵۰
اهمیت نماز / ۵۱
نماز اول وقت / ۵۲
حضور قلب / ۵۳
توجه خدا، توجه ما / ۵۴
ترک امر به معروف و نهی از منکر / ۵۵
آثار ترک امر به معروف و نهی از منکر / ۵۶
خلاصه بخش دوم / ۵۸
بخش سوم / زمان و مکان در دعا / ۵۹
اهمیت مکان و زمان / ۶۰
بهترین اوقات دعا / ۶۱
کنار قبر سیدالشهدا علیه السلام / ۶۲
حرم معصومین علیهم السلام و استجاب دعا / ۶۳
دعا در وقت سحر / ۶۴
زمانی برای دعا / ۶۵
با چه زبانی دعا کنیم؟ / ۶۶
اسراری از دعای کمیل / ۶۷
خلاصه بخش سوم / ۶۸
بخش چهارم / آداب دعا / ۶۹
اسم اعظم / ۷۰
برخی از آداب دعا / ۷۱
گوشه‌ای از نعمت‌های خدا / ۷۲
سپاس از خداوند / ۷۳
دست‌های خالی / ۷۴
از خدا خیر بخواهیم / ۷۵
خدا بهتر از ما می‌داند / ۷۶
بهترین دعا، عاقبت به خیری / ۷۷
به یاد همه / ۷۹
چه کسانی را دعا کنیم؟ / ۸۰

- دیگران چشم انتظارند / ۸۲
دعا برای سلامتی امام زمان علیه السلام / ۸۳
خلاصه بخش چهارم / ۸۴
بخش پنجم / چرا دعا مستجاب نمی‌شود؟ / ۸۵
علل پیش آمدن بلاها و مشکلات / ۸۶
چرا دعا مستجاب نمی‌شود؟ / ۸۹
ما نمی‌دانیم / ۹۰
ایمان به پیامبران / ۹۱
مصلحت تو در این نیست / ۹۲
خدا و امامان تو را دوست دارند / ۹۳
یکی از دلایل اجابت نشدن دعا / ۹۴
خیر و صلاح را نمی‌دانیم / ۹۵
قفل من خراب است / ۹۶
فلسفه دعا یعنی اجابت شدن؟! / ۹۷
گناهکار، پلید است / ۹۸
گناهان جدید؛ بلاهای جدید / ۹۹
استجاب دعا با طهارت ظاهر و باطن / ۱۰۰
انسان و دشمنان او / ۱۰۱
آفات گناه / ۱۰۳
نگرانی محدث قمی رحمته الله علیه / ۱۰۵
سه ناحیه خطرناک / ۱۰۶
عاقبت گناه کردن / ۱۰۷
فرصتی برای تطهیر / ۱۰۹
انسان و خواهش‌های سوزنی! / ۱۱۰
از این خانه دور نشو / ۱۱۱
یوسف گمگشته / ۱۱۲
خلاصه بخش پنجم / ۱۱۳

مقدمه

آغاز سخن بنام خداوند بخشاینده مهربان و سپس سلام بر آخرین فرستاده او و خاندان پاکش.

سخن‌وری عمری به درازای تفکر بشری دارد، از دنیای باستان تا روزگار معاصر سخن‌رانان برجسته‌ای داشته‌ایم که تاریخ نام آنها را برای ما ضبط کرده است. در تمدن اسلامی نیز خطبا و واعظان زیادی سراغ داریم که آوازه آنها در تاریخ پیچیده است.

ندای بزرگ‌ترین خطیب تاریخ اسلام را هنوز می‌توان از لابه‌لای سطور نهج‌البلاغه شنید که با تاسی به خاتم‌الانبیاء بر بالای منبر کوفه فریاد برمی‌آورد و راه و رسم زیستن و بندگی را به تشنگان معرفت می‌آموزد.

بهره‌گیری از منبر به عنوان یکی از بلیغ‌ترین و رساترین شیوه‌های تبلیغ دینی، روش عملی تمامی ائمه معصومین علیهم‌السلام بوده است. در میان پیروان مکتب اهل بیت علیهم‌السلام نیز در قرون میانه تمدن اسلامی، خطبا و واعظان بزرگی برخاسته‌اند و در تبیین آموزه‌های دینی نقش به‌سزایی را ایفا نموده‌اند.

آشنایی هر چه بیشتر امت اسلامی با سنت و سیره معصومین علیهم‌السلام، توبه بسیاری از گنه‌کاران، اسلام آوردن بسیاری از غیرمسلمانان و مقابله با نخله‌های فکری انحرافی از مهم‌ترین برگات و ثمرات منبر، وعظ و خطابه است.

خطابه و منبر از ظرفیت‌های عظیم حوزه و روحانیت است که هنوز هم با وجود توسعه و گسترش انقلاب اطلاعاتی و عصر دیجیتال، می‌تواند در پیشبرد رسالت تبلیغ و تربیت بسیار موثر باشد.

پس از انقلاب شکوهمند اسلامی به رهبری حضرت امام خمینی ره و خلف صالح ایشان حضرت آیه‌الله خامنه‌ای مدظله‌العالی، آستان قدس رضوی با مدیریت فقیه عالی مقام؛ حضرت آیه‌الله واعظ طبسی دامت توفیقاته توانسته است. ضمن بهره‌گیری از ظرفیت منبر و دعوت از سخنرانان برجسته، پذیرای ۲۵ میلیون زائر و مجاور حریم رضوی باشد و به جایگاه والای عالی‌ترین پایگاه نشر معارف دینی دست یابد.



معاونت تبلیغات و ارتباطات اسلامی آستان قدس رضوی در جهت بهره‌وری بیشتر از محتوای ارزشمند سخنرانی‌های حرم مطهر رضوی، آنها را پس از پژوهش، فهرست برداری، مستند سازی و خلاصه نویسی و با هدف بهره‌مندی هرچه بیشتر تشنگان معرفت، در قالب‌های مختلف ارائه می‌نماید.

به همین منظور **مجموعه کتاب‌های مشکات** با هدف مستندسازی سخنرانی‌های ارزشمند سخنوران، به همت خادمان فرهنگی حضرت علی بن موسی علیه السلام تهیه و تدوین شده است.

پرتو اجابت؛ با موضوع دعا در سخنرانی‌های حرم مطهر رضوی، جلد نخست از دومین مجموعه مشکات است که تقدیم ارادتمندان امام مهربانی‌ها حضرت علی بن موسی الرضا علیه السلام می‌گردد. امید است این اثر مورد قبول مولا و ولی نعمت‌مان حضرت ولی عصر علیه السلام قرار گیرد. انشاء الله





بخش اول

نیاز به دعا و ارتباط

آفرینش انسان

«لَقَدْ خَلَقْنَا الْإِنْسَانَ فِي أَحْسَنِ تَقْوِيمٍ؛ به یقین ما انسان را در بهترین اعتدال و استقامت آفریدیم.»^۱

خداوند متعال با علم و قدرت خویش انسان ها را آفرید. اگر نقشه خلقت و بنای سازه انسان را با دیگر موجودات کنار هم قرار دهیم، اصلاً قابل مقایسه نیستند. انسان در نظام هستی و آفرینش از جایگاه والایی برخوردار است، ارزش و کرامت ذاتی که خداوند برای انسان قائل شده، برای هیچ موجود دیگری چنین زمینه و فرصتی را قرار نداده است.

«ثُمَّ رَدَدْنَاهُ أَسْفَلَ سَافِلِينَ؛ سپس او را به پایین ترین مرتبه بازگردانیدیم.»^۲

انسان با ویژگی های برتر و جایگاه بلند خویش، در عالم طبیعت (عالم ماده) قرار گرفت. اکنون من و شما در عالم طبیعت هستیم، جنبه طبیعی و بُعد مادی داریم و در زمین و عالم ماده زندگی می کنیم. آنگاه در سفری از جوار الهی به این عالم آمدیم و خداوند اینجا را «دارالعباده» نامید.

«وَمَا خَلَقْتُ الْجِنَّ وَالْإِنْسَ إِلَّا لِيَعْبُدُونِ؛ جن و انسان را جز برای عبادت و بندگی (پرستش) نیافریدم.»^۳

این عالم (دارالعباده) مکانی است که انسان در آن موظف به بندگی کردن است؛ موظف به اجرای آیین بندگی یعنی وحی الهی (قرآن) است که توسط پیامبر اکرم ﷺ به ما رسیده است.

انسان به این عالم آمد؛ نه برای خوش گذرانی، غفلت، زندگی حیوانی، خوردن، خوابیدن و شهوت رانی و طبیعی شدن (مادی شدن)؛ بلکه به این عالم آمد تا با در اختیار داشتن فرصت کوتاه عمر، دوره ای را طی کند و رفتارهایی را پیاده سازد و در سایه پیاده سازی این رفتارها، استعدادهایی را که خداوند درون وی نهاده است، بارور کند.

مانند یک هسته خرما که به اندازه يك بند انگشت است؛ اما مجموعه ای از استعدادها برای تبدیل شدن آن به یک درخت نخل و هزاران کیلو خرما درون



۱. تین، ۴.

۲. تین، ۵.

۳. ذاریات، ۵۶.

آن نهفته شده است. کافی است این هسته را در زمین بکارند و به آن آب و کود و فرصت لازم برای رشد کردن بدهند تا به ثمر بنشیند و بعد همین هسته امروز، فردا درخت نخل پُرثمری خواهد شد.

(حجة الاسلام مرحوم مهندسی، رواق امام خمینی قدس سره، ۹۰/۳/۲۷)



عشق؛ مرکب پرواز

خداوند متعال انسان را به عالم طبیعت (دنیا) فرستاد نه برای پوسیده شدن، نه برای ماندن؛ نه! بلکه انسان را به این عالم فرستاد تا اگر در بازار، اداره، خانه و یا در هر ساحت و میدانی از میادین زندگی قرار گرفت، به او هشدار دهد که مبادا اصل و حقیقت خویش را فراموش کنی! مبادا مسیری را که آمدی، جایگاهی را که در آن قرار داری و آینده‌ای (آخرت) را که باید به آن برسی، فراموش کنی!

پیام خداوند به انسان این است که باید بذر وجود تو در این عالم تبدیل به درخت شود و استعدادهای بالقوه تو به فعلیت برسد و در این مسیر الهی، عشق خود را در دل انسان‌ها نهاد و به همین دلیل، خلقت و فطرت انسان، براساس عشق به خداست.

«فِطْرَةَ اللَّهِ الَّتِي فَطَرَ النَّاسَ عَلَيْهَا لَا تَبْدِيلَ لِخَلْقِ اللَّهِ؛ همان سرشتی که خدا مردم را بر آن سرشته است. آفرینش خدا تغییر پذیر نیست.»^۱

خداوند در قرآن کریم می‌فرماید: «وقتی انسان را خَلق کردم، عشق خود را در دل وی نهادم و به انسان‌ها پیغام دادم؛ بر مرکب این عشق سوار شوید و آن را وسیله ای قرار دهید تا به مأمَن الهی بازگردید.»

(حجة الاسلام مرحوم مهندسی، رواق امام خمینی قدس سره، ۲۷/۳/۹۰)



غذای روح

انسان دارای دو بُعد است، بُعد جسمانی و روحانی. متأسفانه بیشتر توجه ما به سمت بُعد جسمانی است. یعنی از بدنمان مواظبت می‌کنیم تا بیمار نشویم و یا آن را از سرما و گرما حفظ می‌کنیم، غذای خوب تناول می‌کنیم، هنگام استراحت بستر مناسبی را تهیه می‌کنیم؛ تمام این تدارکات برای جسم انسان است. حال سؤال این است که برای پرورش روحمان چقدر وقت و انرژی گذاشته‌ایم؟ آیا روح به غذا نیاز ندارد؟ آیا نباید همان‌طور که به خواسته‌ها و نیازهای بدن پاسخ می‌دهیم، به خواسته‌های روح نیز پاسخ دهیم؟

وقتی گرسنه می‌شویم و بدنمان آب یا غذا می‌طلبد، بی‌درنگ به سراغ آب و غذا می‌رویم. آیا این وظیفه ما نیست که گرسنگی روحمان را نیز برآورده کنیم؟ این ظلمی است که توسط خود انسان انجام می‌پذیرد. اینکه خداوند در قرآن می‌فرماید: «برخی از افراد به خودشان ظلم می‌کنند»؛ منظور ظلم به نفس است: «فَقَدْ ظَلَمَ نَفْسَهُ؛ قطعاً بر خود ستم نموده است.»^۱

ظلم به نفس، تعبیر قرآن کریم است. عده‌ای تمام توجه و التفات خود را به جسم اختصاص داده‌اند و اگر روحشان را به کار گیرند، باز هم در راستای تأمین جسم است. آیا نباید به روح آرامش بدهیم؟

(حجة الاسلام نظری منفرد، صحن جمهوری اسلامی، ۶/۴/۸۷)

نیاز به ارتباط

انسان و دیگر موجودات نیازمند برقراری ارتباط با موجودی بی‌نیاز هستند. به‌عنوان مثال؛ کودک چون ضعیف است، نیازمند داشتن ارتباط با موجود قوی (پدر و مادر) است. وقتی کودک گرسنه می‌شود نیاز دارد تا پدر و مادر به او غذا بدهند. دانش‌آموز چون جاهل است نیاز به برقراری ارتباط با شخصی دانا مانند معلم دارد. هر فردی که در خود نیازی را احساس کند قطعاً محتاج برقراری ارتباط با موجودی است که بتواند به او تکیه کند. در این عالم چه کسی بی‌نیاز است؟ هیچ‌کس! حتی کسانی که از نظر ثروت و دارایی غنی هستند، دارایی‌شان در برابر خداوند بزرگ ذره‌ای نیست و قطعاً فقیرند.

«يَا أَيُّهَا النَّاسُ أَنْتُمْ الْفُقَرَاءُ إِلَى اللَّهِ وَاللَّهُ هُوَ الْغَنِيُّ الْحَمِيدُ؛ ای مردم! شما به خدا نیازمند هستید و خداست که بی‌نیاز ستوده است.»^۱

(حجة الاسلام ماندگاری، صحن جامع رضوی، ۲/۶/۹۰)



مهم‌ترین راهکار

دعا یکی از مهم‌ترین راه‌های ارتباطی انسان با خداوند عزوجل است. راه برقراری ارتباط با خداوند چندین‌گونه تصورشدنی است؛ بعضی از راه‌ها، ارتباط خداوند با بنده است و بعضی از مسیرهٔ ارتباط بنده با خدا. اگرچه در همهٔ موارد، نتیجه این است که انسان می‌تواند با خالقش ارتباط برقرار کند؛ اما زیباترین راه این است که به انسان اجازه بدهند که تو می‌توانی با هر زبانی، با هر لهجه‌ای و با هر گویشی که می‌توانی، با خدایت سخن بگویی! همین اجازه، نوعی رشد و حرکت در راستای عزت‌نهادن بر انسان است.

من (بنده) چون از عالم تاریکی حرکت می‌کردم، لیاقت سخن‌گفتن با وجود مقدس خداوند عزوجل را نداشتم؛ اکنون آرزویم برآورده شده است و به من اجازه داده‌اند تا در محضر خدا قرار بگیرم و با او سخن بگویم. این توفیق بزرگی است که نصیب من شده است. مفهوم دعا نیز همین است؛ یعنی رابطهٔ بنده با خداوند.

(حجة الاسلام طباطبایی، صحن جمهوری اسلامی، ۳۰/۵/۹۰)

ما ضعیف و هیچ هستیم!

خداوند رازق است و من مرزوق. مرزوق یعنی کسی که نیازمند رزق و روزی است. مخلوق نیاز به خالق دارد. جاهل نیاز به عالم دارد. فقیر نیاز به غنی دارد. این عباراتی است که حضرت امیرالمؤمنین، علی علیه السلام در مناجاتشان به خدا عرض می‌کنند: «أَنْتَ الْمَوْلَى وَ أَنَا الْعَبْدُ...، أَنْتَ الْخَالِقُ وَ أَنَا الْمَخْلُوقُ...، أَنْتَ الرَّازِقُ وَ أَنَا الْمَرْزُوقُ...»^۱

ما فقیر هستیم؛ فقر ما را آن‌هایی که پول و امکانات مادی ندارند می‌فهمند. آیا ثروتمندان و آن‌هایی که به ظاهر فقیر نیستند نیز فقر را احساس می‌کنند؟ باید گفت که ثروتمندها نیز فقیر هستند! چرا؟ چون غنی بودن ثروتمندان را به نسبت فقر حساب کردیم و گفتیم دارا هستند؛ حالا اگر دارایی ثروتمندان را به نسبت نعمت‌های بی‌کران خداوند حساب کنید، آن‌ها هم فقیرند.

ثروتمندترین انسان، چقدر پول و ثروت دارد؟ به فرض هزاران میلیارد که در مقابل دارایی و نعمات خداوندی ذره‌ای به حساب نمی‌آید.

«...وَلِلَّهِ خَزَائِنُ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ...؛ ...و تمام دارایی (خزائن) آسمان‌ها و

زمین از آن خداوند است...»^۲

ما اگر باور کنیم هر چقدر هم که توانگر باشیم، در برابر خداوند متعال ضعیف و مخلوق هستیم، آنگاه نیاز به ارتباط با موجود غنی را بیشتر احساس خواهیم کرد و دعا، این نیاز را برطرف می‌کند.

(حجة الاسلام ماندگاری، صحن جامع رضوی، ۲/۶/۹۰)



۱. فراهایی از مناجات امیرالمؤمنین، علی علیه السلام در مسجد کوفه.

۲. مناقون، ۷.

چرا غرور؟

ما (انسان ها) موجوداتی نیازمند هستیم. انسانی که گاه غرور تمام وجودش را می گیرد، اگر برای یک لحظه جریان خون در مویرگ های مغزش متوقف شود می میرد. انسانی که به هیچ چیز بند نیست، گاه از روی غرور و تکبر گمان می کند قوی و قدرتمند است درحالی که بسیار ضعیف است.

گاهی یک بیماری به گونه ای انسان را از پا در می آورد که خواب و آسایش را از او می گیرد. خوب است انسان گاهی به بیماران سری بزند. آن وقت می بیند که بیماران چقدر در رنج و سختی به سر می برند. خداوند متعال محتاج ما نیست؛ بلکه این ما هستیم که به توجه و الطاف الهی نیاز داریم.

(حجة الاسلام نظری منفرد، صحن جمهوری اسلامی، ۸۷/۴/۶)



فرصتی برای عروج

فرهنگ غنی اسلام، فرصت‌های زیادی را برای پیشرفت و تعالی انسان‌ها فراهم کرده است. یکی از این فرصت‌ها، فرصت دعا کردن است. خداوند می‌فرماید:

«قُلْ مَا يَغْتَابُ بِكُمْ رَبِّي لَوْلَا دُعَاؤُكُمْ؛ بگو اگر دعای شما نباشد، پروردگار هیچ اعتنایی به شما نمی‌کند!»^۱

این آیه تعبیر بسیار زیبا و گزاره بسیار دلنشینی است. خداوند در این آیه شریفه اشاره می‌کند که دعا زمینه ارتباط و بهره‌وری از عنایات الهی است. دعا، فرصت جذب توانمندی‌ها و انرژی‌ها از مبدأ هستی است.

(حجة الاسلام مرحوم مهندس، رواق امام خمینی رحمته، ۲۷/۳/۹۰)



تفکر در امر خداوند

امام رضا علیه السلام می فرماید: «لَيْسَتْ الْعِبَادَةُ كَثْرَةَ الصِّيَامِ وَالصَّلَاةِ وَإِنَّمَا الْعِبَادَةُ كَثْرَةُ التَّفَكُّرِ فِي أَمْرِ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ؛ عِبَادَتٌ بِه فِرَاوَانِي رُوزَه وَ نَمَاز نِيَسْت بَلَكَه عِبَادَت بِه سِيَارَ اَنَدِيَشِيدَن دَر كَار خَدَاسْت.»^۱

بین عبادت و نیایش و دعا چه ارتباطی وجود دارد؟ عبادت، تفکر در امر خداست. تفکر در امر پروردگار چیست؟ یعنی به این فکر کنی که چرا خداوند مرا خلق کرده است؟ آیا ممکن است خداوند مرا بی دلیل خلق کرده باشد؟ فکر کن؛ حتی خود شما از این کارها می کنی؟ آیا انسان کار بیهوده انجام می دهد؟ آیا شما نسبت به فرزندان که او را خلق نکرده اید و تنها واسطه ای برای تولد او بوده اید، بی اعتنا هستید؟ آیا ممکن است خداوندی که ما را خلق کرده، نسبت به ما بی اعتنا باشد؟!

بهتر است با دقت به این مسائل فکر کنیم؛ چرا خداوند می خواهد ما را تا ابد در آن دنیا (آخرت) زنده نگه دارد تا لذت ببریم؟ چرا بیش از شش هزار آیه قرآن برای راهنمایی ما فرستاده است؟

من (انسان) اهمیت دارم. چرا خدا آسمان ها و زمین را برای من آفریده؟ آیا ستاره ها بی دلیل در آسمان می چرخند؟ این مخلوقات، همه برای انسان آفریده شده است.

حتماً لازم نیست برای تفکر در امر آفرینش به سخنرانی واعظان و سخنگویان گوش بدهی؛ گاهی هم برای خودت سخنرانی کن! ساعتی تفکر کن! خوب نیست انسان همیشه ورودی داشته باشد؛ گاهی این ورودی ها (چشم، گوش و زبان) را ببند و درون خودت به تفکر پرداز! تو دانش و یافته های بسیاری داری؛ بنابراین، همیشه به دنبال چیز جدید نباش! با آن مسائلی که آگاه هستی چکار کرده ای؟ امیرالمؤمنین؛ علی علیه السلام می فرماید: «شما به عمل در مورد آنچه که می دانید، محتاج تر هستید تا به دانستن آنچه که نمی دانید!»

(حجة الاسلام پناهیان، رواق امام خمینی علیه السلام، ۲۰/۷/۸۹)

خلاصه بخش اول

* انسان در نظام هستی و آفرینش از جایگاه والایی برخوردار است.
* این عالم (دارالعباده) مکانی است که انسان در آن موظف به بندگی کردن است.

* بر مرکب عشق الهی سوار شوید و آن را وسیله ای قرار دهید تا به مأمّن الهی بازگردید!

* آیا نباید همان طور که به خواسته‌ها و نیازهای بدن پاسخ می‌دهیم، به خواسته‌های روح نیز پاسخ دهیم؟

* انسان و دیگر موجودات، نیازمند برقراری ارتباط با موجودی بی‌نیاز هستند.

* دعا یکی از مهم‌ترین راه‌های ارتباطی انسان با خداوند عزوجل است.

* آیا ممکن است خداوندی که ما را خلق کرده، نسبت به ما بی‌اعتنا باشد؟!*

* دعا، فرصت جذب توانمندی‌ها و انرژی‌ها از مبدأ هستی است.





بخش دوم خاصیت و شرایط دعا

سلاح مؤمن

نفسِ دعا نوعی عبادتست؛ چه خداوند تبارک و تعالی دعا را اجابت نماید و چه مقتضی نباشد و اجابت نفرماید.

«الدُّعَاءُ مُخُّ الْعِبَادَةِ؛ دعا مغز و ریشه عبادت است.»^۱

«الدُّعَاءُ يَدْفَعُ الْبَلَاءَ النَّازِلَ وَ مَا لَمْ يَنْزِلْ؛ دعا بلا را دفع می‌کند؛ خواه بلا نازل

شده باشد یا اینکه هنوز نازل نشده باشد.»^۲

«الدُّعَاءُ سِلَاحُ الْمُؤْمِنِ؛ دعا اسلحه مؤمن است.»^۳

«أَنَّ الدُّعَاءَ عَمُودُ الدِّينِ وَ نُورُ السَّمَوَاتِ وَ الْأَرْضَيْنِ؛ دعا ستون دین و نور

آسمان‌ها و زمین‌هاست.»^۴

«إِنَّ الدُّعَاءَ أَنْفُدُ مِنَ الشَّيْطَانِ؛ دعا از سرنیزه نافذتر است.»^۵

ابن فهد حلی در کتاب «عدة الداعي» روایتی نقل می‌کند که فردای قیامت، دو رفیق را می‌آورند و اعمالشان را حساب و کتاب می‌کنند؛ هر دوی آن‌ها اهل بهشت هستند، اما یکی از آن‌ها درجه بالاتری دارد. دوست دیگر عرض می‌کند: «خدایا، ما دو نفر با هم دوست و رفیق بودیم و با هم کارهای نیک انجام می‌دادیم. مگر دوست من چه کار نیکی انجام داده که درجه‌اش از من بالاتر شده است؟!» خطاب می‌آید: «او بیشتر از تو دعا و مناجات می‌کرد.» بنابراین خود دعا یک نوع عبادت است.

(حجة الاسلام هاشمی نژاد، رواق امام خمینی رَضِيَ اللهُ عَنْهُ، ۸۹/۸/۶)



۱. وسائل الشیعه، ج ۷، ص ۲۷.

۲. الکافی (ط - الإسلامیه)، ج ۴، ص ۴۶۹.

۳. الکافی (ط - دار الحدیث)، ج ۴، ص ۳۰۱.

۴. فلاح السائل و نجاح المسائل، ص ۲۸.

۵. الکافی (ط - دار الحدیث)، ج ۴، ص ۳۰۲.

برکات دعا

ما در قرآن مجید دو آیه داریم که در اهمیت دعا، کافی ست. یکی از آن‌ها، آیه ۷۷ سوره مبارکه فرقان است که می‌فرماید: «ای مردم! اگر این دعاها را شما نپاخشید؛ خدا عنایت و اعتنایی به شما نمی‌کند.»

یعنی این دعاهاست که لطف خدا را شامل حال شما می‌کند. مورد دیگر، آیه ۶۰ سوره مبارکه غافر است. خداوند در این آیه به انسان‌ها گفته است: «دعا کنید تا اجابت کنم! کسانی که از عبادت من تکبر و دوری کنند با خواری وارد جهنم می‌شوند.»

روایات متعددی در مورد این موضوع دیدم. می‌گویند منظور از این عبادت، همان دعا (مناجات) است. قسمت مهمی از نماز ما دعاست؛ سوره فاتحه‌الکتاب (حمد)، سلام نمازها و قنوت دعاست؛ حتی در بعضی مواقع، ما در رکوع و سجود دعا می‌خوانیم. دعا کلید حل مشکلات است.

(آیه الله مکارم شیرازی "حفظه الله تعالی"، صحن جامع رضوی، ۸/۵/۸۸)

رابطه مناجات با تفکر

خداوند در قرآن کریم می‌فرماید:

«الَّذِينَ يَذْكُرُونَ اللَّهَ قِيَامًا وَقُعُودًا وَعَلَىٰ جُنُوبِهِمْ وَيَتَفَكَّرُونَ فِي خَلْقِ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ...؛ همانان که خدا را [در همه احوال] ایستاده و نشسته و به پهلو آرمیده، یاد می‌کنند و در آفرینش آسمان‌ها و زمین می‌اندیشند...»^۱

نتیجه‌اش چیست؟

«... رَبَّنَا مَا خَلَقْتَ هَذَا بَاطِلًا سُبْحَانَكَ فَقِنَا عَذَابَ النَّارِ؛ ... خدایا، تو این عالم را بیهوده نیافریدی. خدایا، تو از کار بیهوده، پاک و منزهی؛ پس مرا از عذاب جهنم نجات ده.»^۲

مناجات از دل تفکر می‌جوشد. مناجات از سرچشمه تفکر می‌نوشد. هرکسی می‌خواهد از مناجات لذت ببرد، باید برای فکرش برنامه‌ریزی کند. ما نمی‌توانیم یک باره در خودمان حالت مناجات را ایجاد کنیم؛ ولی می‌توانیم برای مناجات، تفکر و برنامه‌ریزی داشته باشیم.

(حجة الاسلام پناهیان، رواق امام خمینی رحمته، ۲۰/۷/۸۹)



۱. آل عمران، ۱۹۱.

۲. همان.

اهمیت دعا

ممکن است جوانان عزیز سؤال کنند: دلیل اهمیت دعا و سفارش به آن چیست؟ در پاسخ باید گفت: انسان در هیچ حالتی جز در هنگام دعا کردن، به خدا نزدیک نیست! انسان ممکن است در هنگام نماز خواندن و یا تلاوت قرآن، حواسش جای دیگری باشد؛ اما وقتی با خدا راز و نیاز و دعا می‌کند، تمام توجه‌اش به خداوندست. این توجه به خدا در هنگام دعا، قلب انسان را نورانی و روحش را تربیت می‌کند، فضایل اخلاقی را در انسان شکوفا کرده و جامعه را به سوی نظم سوق می‌دهد. دعا اثرات تربیتی فوق‌العاده‌ای دارد و برکات الهی را نازل می‌کند. (آیه الله مکارم شیرازی "حفظه الله تعالی"، صحن جامع رضوی، ۸/۵/۸۸)



أَدْعُونِي

خداوند در سوره مبارکه غافر، آیه ۶۰ می فرماید:

«وَقَالَ رَبُّكُمْ ادْعُونِي أَسْتَجِبْ لَكُمْ؛ و پروردگارتان فرمود: و مرا بخوانید تا شما را

اجابت کنم...»

«أَدْعُونِي» اجازه خداست برای سخن گفتن انسان با او و طرح خواسته هایش به درگاه خداوند. وقتی ما به نزد شخصیت بزرگی می رویم، تا او به ما اجازه ندهد، حرف نمی زنیم؛ اما خداوند عزوجل، اجازه ای عمومی صادر کرده است. «أَدْعُونِي»، یعنی همه شما مرا بخوانید و من اجابت می کنم. «أَدْعُونِي»، خطاب به جمع است. به این جمله دقت کنید: «همه شما خواسته هایتان را از من بخواهید و من هم اجابت می کنم.» این جمله، خود، بیانگر اهمیت مسئله دعاست.

(حجة الاسلام ابوالفضل طباطبایی، صحن جمهوری اسلامی، ۳۰/۵/۹۰)



اثرات دعای کمیل

اگر کسی دعای کمیل را با توجه و تعمق لازم بخواند، بهره‌ها و ثمرات بسیاری از جانب پروردگار نصیب وی می‌شود که عبارت‌اند از:

۱. خداوند متعال او را مورد بخشش و غفران قرار می‌دهد و گناهانش را می‌بخشد. سؤال مهمی که مطرح می‌شود این است که چطور گناهان انسان با دعا بخشیده می‌شود؟

طبق آیات قرآن کریم، گناهان را می‌توان به دو بخش تقسیم کرد:

بخش اول، گناهی که بین انسان خطاکار و خداوند است. اگر بنده گناهکار با خواندن دعا (کمیل) بتواند پیوند محکمی را با پروردگار برقرار کند و تصمیم جدی برای توبه کردن، داشته باشد؛ خداوند نیز با توجه به نیت او که دیگر قصد برگشت به سوی گناه را ندارد، قطعاً او را می‌بخشد.

بخش دوم، گناهی است که بین انسان و مردم وجود دارد. انسانی که مال مردم را به ناحق گرفته و خانه و مغازه و زمین دیگران را به ناحق غصب کرده، چگونه با دعا (کمیل) آمرزیده خواهد شد؟!

راه برای آمرزش گناهان وجود دارد اما چه راهی؟ اینکه انسان در اول دعای کمیل ملتمسانه می‌گوید: «اللَّهُمَّ اغْفِرْ لِي الذُّنُوبَ الَّتِي تَغَيَّرُ النَّعْمَ؛ خدایا! گناهانم را که نعمت‌ها را تغییر می‌دهند، بیامرز!»

خوردن مال دیگران (به حرام)، باعث تغییر نعمت‌های خداوند بر انسان می‌شود. خداوند متعال می‌بیند که آیا انسان در حال خواندن دعای کمیل در باطنش تصمیم جدی می‌گیرد دین خود را در مقابل دیگران ادا کند یا خیر؟ هیچ‌وقت متن دعا به تنهایی، گناه انسان‌ها را نمی‌آمرزد؛ بلکه این تأثیرگذاری دعاست که باعث آمرزش گناهان انسان می‌شود. ما باید از خواندن دعا برای ترک گناهانمان درس بگیریم و سعی کنیم حسابمان را با مردم صاف کنیم؛ آن وقت است که دعا اثرش را خواهد گذاشت و آمرزش از سوی خداوند، قطعی خواهد شد.

۲. اگر کسی با دعای کمیل، رابطه‌ی جدی برقرار کند؛ مورد یاری پروردگار قرار خواهد گرفت.

در یکی از شهرهای ایران، قرار بود شب جمعه، دعای کمیل خوانده شود.

وقتی من وارد مسجد شدم، به هنگام حرکت، خانمی گریه‌کنان به من گفت: «پانزده سال است که ازدواج کردم و بچه دار نمی‌شوم. پزشکان هم گفته‌اند من و شوهرم هیچ مشکلی نداریم! چه کنم؟!» به او گفتم: «امشب به دعای کمیل متوسل شو!»

سال بعد به همان شهر رفتم و قبل از خواندن دعای کمیل، دوباره خانم باحجابی با گریه جلوی من را گرفت و گفت: «می‌خواهم مطلبی بگویم؛ من همان زنی هستم که سال گذشته به شما گفتم پانزده سال است بچه دار نمی‌شوم. پارسال به دعای کمیل متوسل شدم تا اینکه خداوند به من و همسرم بچه‌ای عطا کرد که تا چند وقت دیگر به دنیا می‌آید!»

۳. اثر دیگر دعای کمیل این است که سختی رزق برطرف می‌شود.

(حجة الاسلام حسین انصاریان، دارالزهده، ۸۵/۱۲/۲۴)



اثرات گفتن و شنیدن

خداوند می داند ما چه می خواهیم و چه چیزی به ما عطا کند؛ پس چرا می گوید: دعا کن تا به تو عطا کنم؟

در دعا، عظمت خدا و بندگی بندگان مطرح است. هنگام دعا این احساس به انسان دست می دهد که خدایا! بچه بودم و بزرگم کردی، بی سواد بودم و عالمم گرداندی، خوار و ذلیل بودم و عزتم دادی، عاجز بودم و قدرتم دادی، گرسنه بودم و سیرم کردی، برهنه بودم و مرا پوشاندی، عقل و دانش به من عطا کردی، انبیا علیهم السلام را برای راهنمایی من فرستادی و.... کلاً در هنگام دعا، وقتی انسان با خداوند حرف می زند تمام نعمت های الهی در ذهنش مجسم می شوند. انسان با زبانش ضعف خود و عظمت خدا را بیان می کند و این از برکات و اهمیت دعاست.

در احادیث آمده است: «اگر مردی به همسرش بگوید: "من تو را دوست دارم؛" این کلمه (لَا يَخْرُجُ مِنْ قَلْبِهَا) از قلبش خارج نمی شود.»

همان طور که در گفتن، اثری وجود دارد؛ در شنیدن نیز وجود دارد. روزی از استادم پرسیدم: «گاهی بزرگان ما مثل ائمه اطهار علیهم السلام به افراد عرض می کردند: «عظمنی...؛ من را موعظه کنید!» چرا یک امام می گوید مرا موعظه کنید؟! امام که نیاز به موعظه ندارد!» استاد گفت: «من هم این سؤال را از استاد خود پرسیدم و او هم جواب داد: "هر عضو از اعضای بدن عبادت خاصی دارد. اگر انسان همیشه حق را به زبان بیاورد، گوش او از عبادت محروم می شود. گاهی هم لازم است گوش، حق را بشنود؛" بعضی وقت ها با وجود اینکه از مطلبی آگاهی داریم باز هم آن را می شنویم. من در تلویزیون که حرف می زنم گاهی می نشینم و حرف های خودم را گوش می دهم.

گاهی انسان در اثر شنیدن توجهی پیدامی کند که هنگام گفتن ندارد. خداوند نیز می داند ما انسان ها چه می خواهیم؛ اما در گفتن (انسان) تأثیری است که در دانستن نیست.

ابو عبدالله فراء از قول امام جعفر صادق علیه السلام می گوید:

«إِنَّ اللَّهَ عَزَّ وَجَلَّ يَعْلَمُ حَاجَتَكَ وَ مَا تُرِيدُ وَ لَكِنْ يُجِبُّ أَنْ تُبَيِّنَ إِلَيْهِ الْحَوَائِجَ؛ خدای عزوجل حاجت تو را می داند و نیز می داند که تو چه می خواهی؛ ولی دوست دارد که حاجت های (خود را) به درگاه او شرح دهی.»^۱

(حجة الاسلام قرائتی، صحن جامع رضوی، ۲۰/۵/۹۰)

فلسفۀ دعا

بعضی از مردم فلسفۀ دعا را نمی‌دانند؛ وقتی مریض یا گرفتار می‌شوند، خدا و ائمه اطهار علیهم‌السلام را صدا می‌زنند و از او یاری می‌خواهند؛ اما وقتی از مرز مشکلات نجات می‌یابند، خدا و اهل بیت علیهم‌السلام را فراموش می‌کنند. فلسفۀ ”دعا“ این نیست! انسان در هر حال و هر جایی که باشد، محتاج خداوندست؛ چه فقیر باشد چه ثروتمند، چه بیمار باشد چه سالم. وقتی ما در هر حال محتاج خداوند هستیم؛ پس یعنی محتاج دعا هم هستیم.

در دعای سحر ماه مبارک رمضان که از امام محمد باقر علیه‌السلام نقل شده، ما خدای بزرگ را به اسما و صفاتش قسم می‌دهیم. در این دعا امام پنجم علیه‌السلام چیزی از خداوند طلب نکرده‌اند؛ زیرا ایشان می‌خواستند با این کار، فلسفۀ ”دعا“ را به ما بیاموزند. ای مردم! دعا، فقط گرفتن حاجت از خداوند نیست؛ دعا یعنی رفتن به محضر خداوند متعال.

(حجة الاسلام کاظمی از پاکستان - سخن قدس - ۸۵/۶/۲۴)



نتایج ارتباط با خدا

ارتباط با خدا به ما شخصیت، هویت، عظمت و قدرت می‌دهد. امام خمینی "قدس سره" هیچ سلاح سرد و گرمی نداشت و پشتش تنها به عنایت الهی گرم بود؛ اما با یک اشاره ایشان، دست و پای ابر قدرت‌های شرق و غرب، می‌لرزید. چنانچه ما نیز ارتباطمان را با خدا قوی کنیم، خداوند به ما اجازه می‌دهد تا با او حرف بزنیم. دعا، تأثیرات بسیاری دارد؛ اما ما انسان‌ها بیشتر برای پول و ماشین و ثروت دعا می‌کنیم. درحالی‌که باید در وهله اول، دعا کنیم خدا، (معرفت و عشق) خودش را به ما بدهد؛ آن وقت است که ما با ارزش می‌شویم. اگر کسی احساس کند نیازی به ارتباط با خداوند ندارد، او نیز به جهنم می‌رود: «... إِنَّ الَّذِينَ يَسْتَكْبِرُونَ عَنْ عِبَادَتِي سَيَدْخُلُونَ جَهَنَّمَ دَاخِرِينَ؛ ... در حقیقت آنان که از دعا و عبادت من اعراض و سرکشی کنند، به زودی با ذلت و خواری در دوزخ داخل شوند.»^۱

«كَلَّا إِنَّ الْإِنْسَانَ لِرَبِّهِ لَكَنُفٍ»؛ به یقین انسان طغیان می‌کند؛ از اینکه خود را بی‌نیاز ببیند!^۲

طغیان و سرکشی من و شما زمانی است که خودمان را بی‌نیاز از خداوند بدانیم. فکر نکنیم حالا که رئیس یا مدیر، وزیر یا وکیل شدیم و یا کارخانه و باغ و مدرک تحصیلی بالا داریم، دیگر به عنایت خداوندی احتیاجی نداریم. این تفکر درستی نیست؛ زیرا ما کوچک‌تر از این حرف‌ها هستیم.

(حجة الاسلام ماندگاری، صحن جامع رضوی، ۲/۶/۹۰)



۱. غافر، ۶۰.

۲. علق، ۷۶.

اثرات دعا

درباره اهمیت دعا حدیثی از امام صادق علیه السلام می خوانیم: «الدُّعَاءُ يُزِدُ الْقَصَاءَ بَعْدَ مَا أُبْرِمَ إِبْرَامًا؛ دعا، قضا و قدر، بلاها و حوادث ناگهانی را هر چند که مقدماتش کاملاً فراهم شده باشد، برطرف می کند.»^۱

همچنین ایشان (در ادامه) می فرمایند: «فَأَكْثَرُ مِنَ الدُّعَاءِ فَإِنَّهُ مِفْتَاحُ كُلِّ رَحْمَةٍ وَ نَجَاحُ كُلِّ حَاجَةٍ؛ زیاد دعا کنید که دعا کلید تمام رحمت های الهی و وسیله برآمدن تمام حاجات است.»^۲

«وَلَا يُنَالُ مَا عِنْدَ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ إِلَّا بِالدُّعَاءِ»؛^۳ اگر می خواهید به مقامات عالی در جوار قرب پروردگار برسید، اگر می خواهید از نعمات الهی برخوردار بشوید؛ راه آن، دعاست.

امام صادق علیه السلام به اشخاصی که یکی دو بار دعا می کنند و خسته می شوند پیام می دهند و می فرمایند: «وَأِنَّهُ لَيْسَ بَأَبٍ يُكْتَرُ قَرْعُهُ إِلَّا يُوْشِكُ أَنْ يُفْتَحَ لِصَاحِبِهِ؛ هیچ دری نیست که وقتی آن را زیاد بزنی، بالاخره باز نشود.»^۴

این در را بارها بزنی و خسته نشوی؛ عاقبت این در گشوده خواهد شد.

(آیه الله مکارم شیرازی "حفظه الله تعالی"، صحن جامع رضوی، ۸/۵/۸۸)



۱. الکافی (ط - الإسلامية)، ج ۲، ص ۴۷۰.

۲. همان.

۳. همان.

۴. همان.

دعای مقاتل بن سلیمان

دعایی به نام "مقاتل بن سلیمان"، از یاران امام چهارم علیه السلام، در مفاتیح الجنان وجود دارد که ابن سلیمان می‌گوید: «صد بار این دعا را بخوانید و اگر دعای شما مستجاب نشد، من را لعنت کنید!» بنده (سخنران) تجربه‌ای داشتم و به تعدادی از دوستان هم دربارهٔ این دعا سفارش کردم و مریضی‌ها و مشکلات بسیاری به برکت این دعا برطرف شد.

پدر من در شهر لس‌آنجلس آمریکا سکتۀ قلبی کرد و پزشکان امکان زنده ماندن او را بسیار ضعیف می‌دانستند. به علت پایین بودن فشار خون پدرم، من هم نمی‌توانستم به کشورم یعنی پاکستان برگردم. مفاتیح را باز کردم و این دعا را صد بار با حضور قلب خواندم. بعد از آن با پزشکان تماس گرفتم و آن‌ها گفتند: «معجزه شده؛ فشار خون پدرتان یک مرتبه بالا آمد!»

ابتدای دعای مقاتل بن سلیمان این است: «إِلَهِي كَيْفَ أَدْعُوكَ وَأَنَا أَنَا...»

(حجة الاسلام کاظمی از پاکستان، صحن قدس، ۲۴/۶/۸۵)

آرام بخش دل‌ها

یکی از مشکلات عمومی که امروزه مردم جهان با آن مواجه شده‌اند و حتی به سراغ جوان‌ها هم آمده، افسردگی (ناامیدی) است. درحالی‌که دوران جوانی؛ دوران نشاط، راحتی و فراغت زندگی است. جوان هنوز به دوران کهنوت و پیری نرسیده است تا ضعف‌ها به سراغ او بیاید؛ اما متأسفانه امروزه شاهد آن هستیم که جوان‌های بسیاری افسردگی دارند و با استعمال قرص‌های آرام بخش می‌خواهند افسردگی‌شان را برای لحظاتی از بین ببرند. چرا افسردگی؟ این حالت، نتیجه بریدن و جداشدن از خداوندست. خداوند در قرآن کریم با صراحت می‌فرماید:

«وَمَنْ أَعْرَضَ عَن ذِكْرِي فَإِنَّ لَهُ مَعِيشَةً ضَنْكًا؛ کسی که از یاد من جدا شد (از ذکر من دوری کرد)؛ زندگی او تنگ خواهد شد.»^۱

انسان افسرده اگر تمام امکانات مادی برایش فراهم باشد و از نظر مالی هیچ مشکلی نداشته باشد؛ باز هم افسرده است. تعداد زیادی از افراد جامعه مشکل مالی یا جسمی ندارند؛ اما به بیماری افسردگی مبتلا هستند. ناامیدی یک نوع بیماری است که در تمام جوامع بشری، چه در غرب و چه در شرق، شایع شده است.

دعا، وسیله آرامش روح است. اگر دعا از زندگی انسان حذف شود؛ آدمی دچار اضطراب و ناآرامی می‌شود. دعا از نظر لغوی یعنی ذکر خدا و طلب حاجات؛ اما حقیقت دعا، خواندن خدا و رابطه برقرارکردن با اوست. آن چیزی که باعث آرامش روح انسان می‌شود، یاد خداوندست.

«أَلَا يَذْكُرُ اللَّهُ تَطْمَئِنُّ الْقُلُوبُ؛ آگاه باش که با یاد خدا دل‌ها آرامش می‌یابد.»^۲

(حجة الاسلام نظری منفرد، صحن جمهوری اسلامی، ۸۷/۴/۶)



۱. طه، ۱۲۴.

۲. رعد، ۲۸.

شیرینی بندگی

شیرینی بندگی؛ مناجات است. امام سجاد علیه السلام می فرمایند: «خدایا، وقتی با تو مناجات می کنم، آرام می گیرم و درد ترس، در وجود من تسکین می یابد.» امام سجاد علیه السلام چه زندگی ای داشته اند و ما چه زندگی ای داریم؟! امام سجاد علیه السلام خوف از پروردگار عالم را با شیرینی مناجات تسکین می دادند؛ اما ما خوف و ترس از پروردگار را با فراموش کردن او تسکین می دهیم! ما ترس از مرگ و حساب و کتاب را با فرار کردن (دور شدن) و فراموشی تسکین می دهیم!

نیایش و دعا مانند پرواز کردن است؛ اهتزاز روح به عالم بالاست. سخن های انسان که به سوی خداوند پرمی کشد در واقع مانند بال هایی هستند که او را به پرواز درمی آورند.

امام محمد باقر علیه السلام می فرمایند: «مَا مِنْ شَيْءٍ أَفْضَلَ عِنْدَ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ مِنْ أَنْ يُسْئَلَ؛ هیچ چیز نزد خداوند عزیزتر و محبوب تر از این نیست که انسان (بنده) از او درخواست کند.»^۱

باب نیایش اگر به قلب انسان باز شود، زندگی انسان متفاوت خواهد شد؛ آن وقت است که انسان از هر لذت دیگری استغفار خواهد کرد. امام چهارم؛ علی بن حسین علیه السلام به خداوند عرض می کنند: «أَسْتَغْفِرُكَ مِنْ كُلِّ لَذَّةٍ بَغَيْرِ ذِكْرِكَ...؛ [خدایا!] من از هر لذتی که بر دم و غیر از لذت مناجات با تو بوده استغفار و طلب بخشش می کنم!»^۲

(حجة الاسلام پناهیان، رواق امام خمینی قدس سره، ۲۰/۷/۸۹)



۱. الکافی (ط - الإسلامیه)، ج ۲، ص ۴۶۶.

۲. فرازی از مناجات ذاکرین امام سجاد علیه السلام.

دعا برای افراد در سیره اهل بیت علیهم السلام

دعا دربارهٔ افراد در سیره اهل بیت علیهم السلام چگونه است و چه شاخصه‌هایی دارد؟ اهل بیت علیهم السلام گاهی به صورت عمومی دعا می‌کنند. به عنوان مثال می‌فرمایند: «... اَللّٰهُمَّ وَاٰلِ مَنْ وَاٰلِهٖ؛ خدایا! هرکه محبت او (علی بن ابیطالب علیه السلام) را دارد؛ تو هم او را دوست بدار!»^۱

و یا «اَللّٰهُمَّ اغْفِرْ لِلْمُؤْمِنِيْنَ وَ الْمُؤْمِنَاتِ...؛ خدایا، مؤمنین و مؤمنات را ببامرز...»^۲ اما گاهی اوقات، اهل بیت علیهم السلام در مورد فردی خاص نیز دعا می‌کنند که اگر بخواهیم دعاهای شخصی را دسته‌بندی کنیم؛ سه قسم است:

۱. بعضی اوقات یک نفر خدمتی به پیامبر صلی الله علیه و آله یا امام علیه السلام کرده و اهل بیت علیهم السلام دعایشان کرده‌اند و این به معنی آن نیست که آن فرد، انسان خوبی باشد! در تاریخ داریم که یک یهودی خدمتی به رسول خدا صلی الله علیه و آله کرد و با اینکه مسلمان نبود، حضرت دعایش کردند که: «اَللّٰهُمَّ جَمِّلْهُ؛ خدایا! او را زیبا قرار بده!»
۲. بعضی افراد که مشکل داشتند به خدمت معصومین علیهم السلام می‌آمدند. حضرات علیهم السلام هم کاری به اعتقاداتشان نداشتند و آن‌ها را دعا می‌کردند. در تاریخ بارها آمده است که ائمهٔ ما علیهم السلام برای گرفتاری شخصی افراد دعا کرده‌اند. روزی پیامبر گرامی اسلام صلی الله علیه و آله در بازار راه می‌رفتند. زن و شوهری هم در حال عبور بودند. جلو آمدند و مرد عرض کرد: «یا رسول الله، این زن با من نامهربان است.» رسول خدا صلی الله علیه و آله خانم را صدا زدند و علت را جویا شدند. زن جواب داد: «من از این مرد خوشم نمی‌آید!» پیامبر گرامی اسلام صلی الله علیه و آله دست مبارکش را بالای سر این زن و شوهر گرفتند و دعا کردند: «اَللّٰهُمَّ اَلْفَ بَيْنَهُمْ؛ خدایا، بین ایشان الفت و مهربانی ایجاد کن.»

دعا مؤثر است؛ آن هم دعای پیامبر صلی الله علیه و آله. آن‌ها رفتند و مدتی بعد، پیامبر آن خانم را دید. او گفت: «ای پیامبر، با دعای شما محبت همسرم در دلم ایجاد شد.»

جوانی که میل به شهوت و فحشا داشت، به خدمت پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله آمد. پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله دست مبارک خود را روی سینهٔ این جوان گذاشتند و این‌طور

۱. خطبهٔ پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله در روز غدیر خم.

۲. من لا یحضره الفقیه، ج ۱، ص ۴۲۲.

دعا کردند: «اللَّهُمَّ طَهِّرْ قَلْبَهُ، حَصِّنْ فَرْجَهُ وَاعْفُرْ ذَنْبَهُ؛ خدایا! قلبش را پاکیزه کن، قوای جنسی‌اش را کنترل کن و گناهانش را ببخش!»^۱

این توجه و دعا تنها مختص زمان پیامبر ﷺ نبوده است. امام رضا علیه السلام فرموده‌اند: «رَحِمَ اللَّهُ عَبْدًا أَحْيَا أَمْرَنَا... يَتَعَلَّمُ عُلُومَنَا وَيَعْلَمُهَا النَّاسُ...؛ رحمت خدا بر بنده‌ای که امر ما را زنده کند!... دانش‌های ما را فراگیرد و به مردم بیاموزد...»^۲

ما باید فرهنگ اهل بیت علیهم السلام مانند: انتشار احادیث، مجالس یاد اهل بیت علیهم السلام و ... را در جامعه ترویج دهیم.

۳. گاهی اوقات اهل بیت علیهم السلام برای افرادی دعا می‌کردند که شخصیت والا و ویژه‌ای داشتند. به عنوان مثال، شخصی به نام عمرو بن حمق از شیعیان واقعی امیرالمؤمنین، علی علیه السلام بود که جانش را در راه محبت به ایشان از دست داد و هیچ وقت با حضرت علیه السلام مخالفت نمی‌کرد. امیرالمؤمنین، علی علیه السلام در جنگ صفین او را دعا کردند: «اللَّهُمَّ نَوِّرْ قَلْبَهُ بِالتَّقْوَى وَاهْدِهِ إِلَى صِرَاطِ الْمُسْتَقِيمِ؛ خدایا، قلبش را به پرهیزکاری نورانی کن و او را به راه راست هدایت فرما.»^۳ ایشان همچنین فرمودند: «ای کاش صد نفر مثل عمرو بن حمق در لشکر من بود!» که این خود، دلیل بر تأیید این شخص است.

”دعبل خزاعی“ خدمت امام هشتم علیه السلام رسید و اشعارش را برای ایشان خواند. حضرت امام رضا علیه السلام برای او دعا کردند و فرمودند: «أَمَّاكَ اللَّهُ يَوْمَ الْقَرَعِ الْأَكْبَرِ؛ خداوند تو را از سختی‌های روز قیامت حفظ کند!»^۴

”گمیت“ نزد امام صادق علیه السلام شعر خواند. امام علیه السلام نیز او را دعا کردند و فرمودند: «خداوند گناهان گذشته و آینده‌ات را ببامرزد!»

این دعا‌های ویژه نشان‌دهنده تأیید شخصیت اوست. بسیار مهم است که انسان کاری را انجام دهد که معصومین علیهم السلام برایش دعا کنند.

(حجة الاسلام دکتر رفیعی، رواق امام خمینی قدس سره، ۸/۲/۸۹)

۱. بحار الانوار، ج ۱۶، ص ۲۶۷.

۲. عیون أخبار الرضا علیه السلام، ج ۱، ص ۳۰۷.

۳. الفتوح، ص ۴۹۶ و اخبار الطوال، ص ۱۶۵.

۴. إعلام الوری بأعلام الهدی، ص ۳۲۹.

شرایط دعا

هر چیزی شرایطی دارد. شرایط استجابات دعا را فراموش نکنید! وقتی شما یک اتومبیل خوب و سریع السیر می‌خرید، فروشنده می‌گوید: «این اتومبیلی است که شما را همیشه به مقصد می‌رساند و در میان راه نمی‌گذارد. جنبه‌های ایمنی‌اش این طور است و ویژگی‌های بالایی دارد.» اما آیا شرایطی هم برای استفاده دارد یا خیر؟ بله؛ اتومبیل خوب، یک راننده ماهر و جاده مناسب و بنزین خوب و زلال می‌خواهد. دعا نیز مثل اتومبیل است و شرایطی دارد؛ این شرایط بنا به استناد آیات قرآن مجید و روایات اهل بیت علیهم‌السلام است. در سوره مبارکه اعراف، آیه ۲۹ می‌خوانیم:

«وَأَذْعُوهُ مُخْلِصِينَ لَهُ الدِّينَ؛ خدا را بخوانید؛ درحالی‌که دین خود را برای او خالص گردانید!»

دعا کنید اما با اخلاص؛ توبه کنید و خالص شوید. خداوند می‌فرماید: «وَأَذْعُوهُ» اما در کنارش «مُخْلِصِينَ لَهُ الدِّينَ» هم می‌گوید. یکی از شرایط دعا، توبه و خلوص نیت و اخلاص در دعاست.

(آیه الله مکارم شیرازی "حفظه الله تعالی"، صحن جامع رضوی، ۸/۵/۸۸)



معرفت به خدا

از اولین شرایط اجابت دعا، معرفت نسبت به کسی است که او را می خوانیم؛ یعنی خداوند. عده ای خدمت امام جعفر صادق علیه السلام آمدند و عرضه داشتند: «نَدْعُو فَلَآ يُسْتَجَابُ لَنَا؛ ما دعا می کنیم اما دعای ما مستجاب نمی شود؛» چرا؟ امام صادق علیه السلام فرمودند: «لَأَنَّكُمْ تَدْعُونَ مَنْ لَا تَعْرِفُونَهُ؛ شما کسی را می خوانید که نسبت به او شناختی پیدا نکرده اید.»^۱

(حجة الاسلام ابوالفضل طباطبایی، صحن جمهوری اسلامی، ۳۰/۵/۹۰)



اکسیر اعظم

محبت همیشه براساس معرفت و شناخت پایه‌گذاری می‌شود. یعنی چنانچه شناختی نباشد، محبتی وجود ندارد. اگر ما کسی را دوست داشته باشیم باید نسبت به او شناخت اجمالی پیدا کنیم. در حقیقت تا شناختی وجود نداشته باشد، محبتی حاصل نمی‌شود و معرفت هرچه بیشتر شود، محبت نیز بیشتر می‌شود و محبت که زیاد شد، شوق به وجود می‌آید.

شوق چیست؟ درباره آن سخنی از حضرت آیه‌الله شیخ محمدحسین غروی اصفهانی رحمته؛ استاد علامه طباطبایی و مرحوم آیه‌الله بهجت رحمته عرض می‌کنم. ایشان می‌فرمایند: «شوق، یک جنبه وجودی دارد و یک جنبه عَدَمی.» وقتی انسان نسبت به چیزی شوق داشته باشد، محبت نیز حاصل می‌شود. به عنوان مثال، شما شوق رفتن به خانه خدا را دارید که یک بُعد وجودی دارد و یک بُعد عَدَمی. بُعد عَدَمی این است که شما هنوز کعبه را ندیده‌اید و بُعد وجودی‌اش این است که می‌دانید کعبه‌ای هست. اگر صرفاً عدم باشد که هیچ، ولی اگر ندانید کعبه چیست؛ بنابراین نسبت به آن شوقی هم نخواهید داشت. انسان وقتی از وجود چیزی بی‌اطلاع است، چه شوقی ممکن است داشته باشد؟ اگر رفتن به خانه خدا، تنها بُعد وجودی داشته باشد یعنی صرفاً کنار خانه خدا باشی که به آن شوق اطلاق نمی‌شود؛ بلکه به آن اُنس می‌گویند. شوق در راه (طول مسیر) است و معنا پیدا می‌کند.

پس شوق و اُنس از محبت ایجاد می‌شود. ما بندگان این‌ها را لازم داریم. به خصوص شما جوانان که در بهار عمر خود هستید، بدانید شوق و اُنس یکی از مراحل بزرگ عبودیت است که از محبت سرچشمه می‌گیرد و محبت نیز از معرفت است.

نزدیک‌ترین راه رسیدن به حضرت حق، محبت است. محبت مثل درختی است که میوه‌های آن شوق، اُنس، خوف، خشیت و است. سؤال این است که ریشه درخت به این پُرثمری چیست؟ ریشه‌اش معرفت است. معرفت، اکسیر اعظم است.

(حجة الاسلام فاطمی‌نیا، رواق امام خمینی رحمته، ۴/۱۲/۸۷)



معرفت؛ رمز قبولی

امام صادق علیه السلام می فرماید: «لَا يُقْبَلُ عَمَلٌ إِلَّا بِمَعْرِفَةٍ...؛ خدا عملی را قبول نمی کند، مگر با معرفت...»^۱

یعنی تا معرفت نباشد؛ عمل قبول نمی شود. مرحوم خاتم المحدثین شیخ عباس قمی رحمته الله کتاب ارزشمند و نفیسی به نام «سَفِينَةُ الْبَحَارِ» دارند. این شیخ بزرگوار در تألیف این کتاب بیست سال زحمت کشیدند. ایشان حدیثی نقل می کنند و می گویند: «دو فرشته از آسمان عبور می کردند و دیدند یک قسمت از زمین بسیار سرسبز و با صفاست و عابدی در حال عبادت است. آن ها بسیار غبطه خوردند و گفتند: "خدا یا، می شود ثواب یک روز عبادت این بنده را به ما بدهی؟" خداوند فرمود: "این بنده معرفت و بینش لازم را ندارد؛ بنابراین عبادتش به جایی نمی رسد." سپس خداوند به فرشتگان امر فرمود به صورت انسان در بیایند و با آن مرد عابد صحبت کنند تا متوجه ناآگاهی او شوند. (همان طور که می دانید به اذن خدا، فرشته ها می توانند به شکل انسان در بیایند. در قرآن آمده است سه فرشته به شکل انسان نزد حضرت ابراهیم علیه السلام رفتند و به او بشارتی دادند.)

فرشته ها به زمین آمدند و نزد او رفتند و گفتند: "خوشا به حالت! چه زمین سرسبز و خرمی داری!" مرد عابد پاسخ داد: «چه فایده؟ ای کاش خداوند چهارپایی (حیوان) داشت تا اینجا می چراندم!» خدا به آن فرشته ها فرمود: "این مرد مرا محتاج یک چهارپا می داند."

بنابراین خداوند متعال عبادتی را قبول نمی کند؛ مگر با معرفت و بینش.

(حجة الاسلام فاطمی نیا، رواق امام خمینی قدس سره، ۴/۱۲/۸۷)

معرفت اجمالی، معرفت تفصیلی

معرفت الهی از کجا کسب می‌شود؟ اینجاست که عده‌ای اشتباه می‌کنند. امام جعفر صادق علیه السلام می‌فرمایند: «...وَلَا مَعْرِفَةَ إِلَّا بِعَمَلٍ؛ معرفتی نیست مگر با عمل!» عده‌ای مسئله را دور می‌زنند و می‌گویند: «چه کاری باید انجام دهیم تا معرفت لازم را کسب کنیم؟ و اگر عمل کنیم، چه کنیم تا عملمان مورد قبول خداوند باشد؟» [پاسخ این است: معرفت داشته باشیم. این، دور تسلسل نیست؛ بلکه آن‌ها نمی‌دانند. در احادیث، معرفت به دودسته تقسیم شده است: معرفت اجمالی و معرفت تفصیلی.

معرفت اجمالی برای ما آسان به دست آمده است؛ زیرا خداوند پیامبرانی را برای راهنمایی ما فرستاده و کتاب‌های آسمانی نازل فرموده است و ائمه معصومین علیهم السلام را برای ارشاد ما منصوب کرده و به ما عقل و آگاهی عطا نموده است. از زمانی که در رحم مادر بودیم، خداوند به ما عقل بالقوه‌ای عطا نمود که فلاسفه به آن "عقل هیولانی" می‌گویند؛ یعنی عقل دست نخورده. مولوی در این باره می‌گوید:

ما کجا بودیم کان دیان دین
عقل می‌کارید اندر ماء و طین
بعد از آنکه از شکم مادر بیرون آمدیم، عقلمان شروع به گذراندن مراحل می‌کند؛ به عنوان مثال، گاه تبدیل به یک پزشک عالی‌قدر یا یک مجتهد و متخصص بزرگ می‌شود.

بالاخره هر جایی بروید، می‌بینید مردم از خدا و پیغمبر چیزهایی می‌دانند که به آن معرفت اجمالی می‌گویند.

هر کجای روم می‌گویید یک استاد به ما معرفی کنید. مرحوم آیه الله بهجت رحمته الله علیه فرمودند: «به یقینات خودتان عمل کنید!» پس اگر استاد ندارید به آنچه یقین دارید عمل کنید. هر کدام از شما یک دریا یقینات دارید. ای جوان! آیا می‌دانی جواب تلخ دادن به مادر، انسان را در دو جهان بدبخت می‌کند؟ پس مراقب رفتار خود با مادرت باش!
همه می‌دانیم نماز اول وقت چیست، می‌دانیم غیبت حرام است؛ اگر این معرفت اجمالی را به کار ببریم و به یقینات خود عمل کنیم، آن وقت است که انسان به معرفت تفصیلی دست پیدا می‌کند.

(حجة الاسلام فاطمی نیا، رواق امام خمینی رحمته الله علیه، ۸۷/۱۲/۴)

کسب معارف

یکی از خاصیت‌های دعا، کسب معارف است. خداوند من و شما را خلق کرده تا بندگی‌اش (عبادت) را بکنیم. یک سؤال از شما می‌پرسم؛ آیا انسان می‌تواند بدون اینکه به خدا معرفت داشته باشد، او را عبادت کند؟ امروزه، چرا عده بسیاری از مردم، پول پرست شده‌اند؟ چون فکر می‌کنند پول نجاتشان می‌دهد. در صورتی که نجات‌دهنده واقعی خداوند است. چرا بعضی‌ها قدرت طلب شده‌اند؟ چون فکر می‌کنند این قدرت است که انسان را نجات می‌دهد و بالا می‌برد؛ در حالی که اگر به خدا متوسل نباشی از گُرسی بلند قدرت به زمین می‌خوری؛ مانند فرعون و دیگر سلاطین ظالم.

قارون، فرد پول داری بود که کلید گنج‌هایش را با شتر می‌بردند و همه آرزو داشتند مثل قارون ثروتمند باشند. ولی وقتی زمین دهان باز کرد و قارون و دارایی‌هایش را بلعید، مردم گفتند: «خوب شد ما قارون نبودیم!»

(حجة الاسلام ماندگاری، صحن جامع رضوی، ۹۰/۶/۲)



دعا همراه عمل

دعا به تنهایی اثری ندارد. دعا باید همراه با عمل باشد. امیرالمؤمنین، علی علیه السلام می‌فرماید: «الدَّاعِي بِلَا عَمَلٍ كَالرَّامِي بِلَا وَتَرٍ؛ دَعَا كَانْدَةً بَدُونِ عَمَلٍ مِثْلَ تِيرَانْدَا زِ بَدُونِ زِهْ اَسْت.»^۱

در حقیقت خداوند ضامن رزق و روزی کسانی شده است که آن را طلب می‌کنند. همان‌طور که در احادیث آمده است: «أَطْلُبُوا الرِّزْقَ فَإِنَّهُ مَصْمُومٌ لِطَالِبِهِ؛ رِزْقِ وِرْوِزِي بِرَايِ كِسِي ضَمَانْتِ شَدِهْ اَسْتِ كِهْ اَنْ رَا طَلْبِ كَنْدِ وِ بِهْ دَنْبَالَشِ بِرُود.»^۲

(حجة الاسلام ابوالفضل طباطبایی، صحن جمهوری اسلامی، ۳۰/۵/۹۰)



۱. نهج البلاغه، حکمت ۳۳۷.

۲. الارشاد، ج ۱، ص ۳۰۳.

از تو حرکت

پیامبر اکرم ﷺ می فرماید: «بیکار ننشینید و بگویید خدایا! رزق ما را برسان!» با این دعا هیچ وقت سقف نمی شکافد و ظرف غذا برای شما از آسمان نمی افتد. دنبال کار بروید و در حرکت بگویید: «اللَّهُمَّ... وَسِعَ عَلَيَّ مِنْ رِزْقِكَ الْحَلَالَ...؛ خدایا!... روزی حلال را برای من وسیع گردان!» خدایا! من به دستور تو بیرون آمدم و بدنم را به کار انداختم، دانه کاشتم و زمین را بیل زدم. خدایا! چیزهایی را که باید آماده می کردم انجام دادم، اکنون ابرو باران و هوای مناسب در اختیار توست و دیگر کاری از ما ساخته نیست.

(حجة الاسلام حسین انصاریان، صحن جمهوری اسلامی، ۳/۳/۸۷)

لقمه حلال

دعا برای کسانی مستجاب می‌شود که غذای حلال بخورند. پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله فرمودند: «مَنْ أَحَبَّ أَنْ يُسْتَجَابَ دُعَاؤُهُ فَلْيُطَيِّبْ مَطْعَمَهُ وَ مَكْسَبَهُ؛ هرکسی که دوست دارد (می‌خواهد) دعایش مستجاب شود، باید غذا و کسب و کارش پاک (حلال) باشد.»^۱

فردی که رشوه می‌گیرد، ربا می‌خورد، کم‌فروشی می‌کند و یا اموال مردم را غصب می‌کند؛ انتظار دارد دعاهایش بلافاصله مستجاب شود؟! خوردن غذای حلال، یک شرط استجابیت دعاست.

برادران و خواهران! دقت کنید که تغذیه پاک و حلال در روح و جان، اخلاق و فکر انسان تأثیر می‌گذارد.

«فَلْيَنْظُرِ الْإِنْسَانُ إِلَى طَعَامِهِ؛ پس انسان باید به غذای خود بنگرد.»^۲

انسان باید متوجه باشد که چه غذایی می‌خورد؛ همان‌طور که غذای مسموم جسم انسان را مسموم می‌کند، غذای حرام هم روح انسان را مسموم و سیاه می‌کند. (آیه الله مکارم شیرازی "حفظه الله تعالی"، صحن جامع رضوی، ۸/۵/۸۸)



۱. بحار الأنوار (ط - بیروت)، ج ۹۰، ص ۳۷۲.

۲. عبس، ۲۴.

تجاوز و گرفتاری

انسانی که به این دنیا می‌آید همین که در عرصه اقتصاد و بازار قرار می‌گیرد، دیگر حلال و حرام سرش نمی‌شود! پیغام خداوند این است: «ای انسان! ثروت و دارایی را که در اختیار تو قرار داده‌ام، متعلق به تو نیست و مالک اصلی‌اش تو نیستی. مالک این اموال من هستم و به تو اجازه داده‌ام آن‌ها را تصرف کنی. تو نمی‌توانی از هزراهی ثروت و دارایی به دست آوری، به دست آوردن آن‌ها براساس قوانین خاصی است. مبادا حقوق دیگران را ضایع کنی! مبادا به حقوق دیگران تجاوز کنی! اگر به اندازه یک چوب کبریت، مال دیگری را ضایع کردی؛ باید فردا (روز قیامت و حسابرسی) پاسخ‌گو باشی.»

آمده است که مردی از دنیا رفت و به خواب دوستش آمد و گفت: «من گرفتار عذاب الهی‌ام.» دوستش پرسید: «چرا؟ تو که انسان پرهیزکاری بودی؟» گفت: «من در زمان حیاتم از راهی می‌رفتم. بارهیزی بردوش الاغی بود و رد می‌شد. من احساس کرده بودم بین دندان‌هایم چیزی گیر کرده و بدون اجازه صاحبش به اندازه کمتر از یک چوب کبریت از آن بوته‌های خار‌کندم. پیش خودم گفتم: این که چیزی نیست؛ فقط می‌خواهم بین دندان‌هایم را خلال کنم. به خاطر همان، الان در این عالم (برزخ) گرفتار هستم.»

(حجة الاسلام مرحوم مهندسی، رواق امام خمینی ره، ۲۷/۳/۹۰)

اثرات لقمه حرام

یکی از چیزهایی که در اجابت دعا مؤثر است، لقمه پاک و حلال است. اگر کسی خدای ناکرده کسب و کار و زندگی اش آلوده به مال حرام باشد، باید برای تطهیر مالش بکوشد. متأسفانه یکی از دلایل مهمی که امروزه اجتماع ما به آن گرفتار شده، بی توجهی به این نکته است. ابن فهد حلی کتاب ارزشمندی در زمینه دعا دارد به نام «عَدَّة الدَّاعِي».

وی در این کتاب روایتی نقل می کند که حضرت موسی علیه السلام به وادی طور می رفت، در راه به بنده ای برخورد که حال خوشی داشت؛ با خدا راز و نیاز می کرد و سوزگدازی داشت. حضرت موسی علیه السلام بسیار منقلب شد و گفت: «خدایا! اگر حاجت این بنده دست من بود الان حاجتش را روا و گره کارش را باز می کردم!» خطاب آمد: «یا موسی، اگر مغز سر او آب شود و به جای اشک از دیدگان او فروریزد؛ من دعای او را مستجاب نمی کنم.» موسی علیه السلام گفت: «خدایا! چرا؟!» خداوند فرمود: «به خاطر اینکه در شکم او لقمه حرام است، در خانه او مال حرام است. به اشکش نگاه نکن؛ زندگی اش آلوده به حرام است.»

اگر می خواهید خداوند دعاها را مستجاب کند، زندگی تان را از مال حرام پاک کنید؛ یعنی حلال خور باشید. چون ما در روایت داریم پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله می فرماید: «مَنْ أَكَلَ الْحَلَالَ أَزْبَعِينَ يَوْمًا تَوَرَّ اللَّهُ قَلْبُهُ؛ اگر کسی چهل روز حلال بخورد، خداوند قلب او را نورانی می کند.»^۱

لقمه حلال و پاکی بخورید که در آن ربا، رشوه و بی انصافی نباشد. پاک خوری در اجابت دعا مؤثر است. مرحوم آیه الله شیخ هاشم قزوینی رحمته الله از علمای باتقوا و با معنویت مشهد بودند. آمده است روزی یکی از زمین داران اهل رُشک (در نزدیکی مشهد) آیه الله قزوینی رحمته الله را به منزل خود دعوت کردند. ایشان امتناع می کردند و او اصرار می ورزید تا اینکه شیخ هاشم بالاخره قبول کرد. شبی به باغ آن ملاک رفتند و غذا خوردند. آن شب این عالم ربانی برای نماز شب بیدار نشد و نماز صبحش هم قضا شد. همچنین مشکل سومی هم برای او به وجود آمد. شیخ هاشم صبح به صاحب باغ گفت: «به خاطر این بود که دعوت را قبول نمی کردم؛ چون لقمه شبهه ناک در من اثر می گذارد. من پیرمرد هفتاد ساله مجتهد، نماز شبم از دست رفت. بعد هفتاد سال، نماز صبحم نیز قضا شد.»

(حجة الاسلام هاشمی نژاد، صحن جامع رضوی، ۲۹/۵/۸۸)

اهمیت نماز

به ادای نمازهای یومیه باید اهمیت داد تا دعا مستجاب شود. این موضوع را از آیه ۴۰ سوره مبارکه ابراهیم متوجه می‌شویم. در این آیه آمده است: «رَبِّ اجْعَلْنِي مُقِيمَ الصَّلَاةِ وَمِنْ ذُرِّيَّتِي رَبَّنَا وَتَقَبَّلْ دُعَاءَ؛ پروردگارا، من را و فرزندانم را برپاکننده نماز قرار ده. پروردگارا، دعای مرا بپذیر.»

ابراهیم پیامبر ﷺ عرض می‌کند: «خدایا، من و فرزندانم را برپا دارنده نماز قرار بده.»
«رَبَّنَا وَتَقَبَّلْ دُعَاءَ؛ خدایا، دعایم را (بعد از انجام این شرط) قبول کن (و به اجابت برسان).»
(آیه الله مکارم شیرازی "حفظه الله تعالی"، صحن جامع رضوی، ۸/۵/۸۸)



نماز اول وقت

بارها در روایات ما بر نماز اول وقت تأکید شده است. امام صادق علیه السلام می فرمایند: «**اُمْتَحِنُوا شِيعَتَنَا عِنْدَ ثَلَاثٍ...**»؛ اگر خواستید شیعه ما را بشناسید و محک بزنید در سه جا امتحانش کنید. اول «**عِنْدَ مَوَاقِيتِ الصَّلَاةِ**؛ در اوقات نماز». زیرا سیره اهل بیت علیهم السلام بر این بوده است. زیباترین جلوه ارتباط و یاد خدای متعال، نماز است.

امام هشتم؛ حضرت علی بن موسی الرضا علیه السلام با یکی از دانشمندان زندیق و مادی زمانشان بحث اعتقادی می کردند. وقت نماز شد و اذان به گوش رسید. حضرت برای خواندن نماز بلند شدند. دانشمند زندیق گفت: «کجا می روید؟! اکنون دل من (از مباحث شما) نرم شده و اگر کمی دیگر حرف بزنید؛ من تسلیم می شوم!» امام علیه السلام فرمودند: «وقت نماز است. نماز را می خوانم؛ بعد ادامه می دهیم.»^۲

اگر بخواهیم خواندن نماز اول وقت در خانواده ما فرهنگ شود؛ باید اول خودمان آن را رعایت کنیم. اگر پدر و مادری بارها به فرزندشان بگویند نماز اول وقت مهم است، اما ببیند والدینش هنگام نماز مشغول کارهای دیگری هستند؛ با خود می گوید پس کارهای دیگر از نماز مهم تر است! پس سعی کنیم نماز اول وقت را رعایت کنیم. (حجة الاسلام سیدآبادی، مسجد جامع گوهرشاد، ۸۶/۷/۱۶)



۱. وسائل الشیعه، ج ۴، ص ۱۱۲.

۲. عیون اخبار الرضا علیه السلام، ج ۱، ص ۱۷۲.

حضور قلب

یکی از شرایط دعا حضور قلب است. همان طور که در قبولی نماز، حضور قلب شرط است، در هنگام دعا نیز حضور قلب لازم است. یعنی انسان در هنگام دعا باید با تمام وجود متوجه خداوند باشد. اگر دعای توسل یا دعای کمیل می خوانید و حواستان جای دیگر باشد، دعا لقلقه زبانتان است. پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله فرمودند: «وَأَعْلَمُوا أَنَّ اللَّهَ لَا يَقْبَلُ دُعَاءَ مَنْ قَلْبٍ غَافِلٍ؛ خداوند هیچ دعایی را از قلب بی توجه نمی پذیرد.»^۱

(حجة الاسلام ابوالفضل طباطبایی، صحن جمهوری اسلامی، ۳۰/۵/۹۰)



توجه خدا، توجه ما

خداوند در حدیثی قدسی می‌فرماید: «ای بندگان من! وقتی شما با من حرف می‌زنید، طوری به حرف‌های شما گوش می‌دهم که گویی هیچ بنده‌ای غیر از شما ندارم؛ ولی وقتی شما دارید با من حرف می‌زنید، مثل این می‌ماند که غیر از من خدای دیگری هم دارید!» و این (برای ما بنده‌ها) جای تأسف بسیار دارد.

(حجة الاسلام ماندگاری، صحن جامع رضوی، ۲/۶/۹۰)



ترک امر به معروف و نهی از منکر

شرط دیگر استجابت دعا از کلام مولا علی علیه السلام در نهج البلاغه به دست می آید که می فرماید: «وَ إِذَا لَمْ يَأْمُرُوا بِمَعْرُوفٍ وَ لَمْ يَنْهَوْا عَنْ مُنْكَرٍ وَ لَمْ يَتَّبِعُوا الْأَخْيَارَ مِنْ أَهْلِ بَيْتِي سَلَطَ اللَّهُ عَلَيْهِمْ شِرَارَهُمْ فَيَدْعُو عِنْدَ ذَلِكَ خِيَارَهُمْ فَلَا يُسْتَجَابُ لَهُمْ؛ و چون امر به معروف و نهی از منکر نکنند و پیرو نیکان خاندان من نشوند، خدا بدانسان را بر آن ها مسلط می کند؛ پس چنانچه خوبانسان هم در حق آن ها دعا کنند؛ مستجاب نمی شود.»^۱

چرا؟ چون امر به معروف و نهی از منکر را ترک کردید. این دستور اسلامی اگر درست و حساب شده با زبان خودش و با برنامه اجرا شود، قسمت عمده مفاسد اخلاقی برچیده می شود. متأسفانه ما می گوییم به من چه! و دیگر تعبیرات غلطی که این روزها به گوش می رسد؛ مثل: عیسی به دین خود، موسی به دین خود یا ما را درون قبر همدیگر نمی گذارند و! این حرف ها یعنی چی؟ ما در مقابل هم مسئولیم؛ باید امر به معروف و نهی از منکر کنیم.

(آیه الله مکارم شیرازی "حفظه الله تعالی"، صحن جامع رضوی، ۸/۵/۸۸)

آثار ترک امر به معروف و نهی از منکر

امیرالمؤمنین؛ علی علیه السلام در خطبه‌ای می‌فرماید: «فَإِنَّ اللَّهَ سُبْحَانَهُ لَمْ يَلْعَنِ الْقُرْنَ الْمَاضِي بَيْنَ أَيْدِيكُمْ إِلَّا لِيَتْرِكَهُمُ الْأَمْرَ بِالْمَعْرُوفِ وَ النَّهْيَ عَنِ الْمُنْكَرِ؛ خداوند سبحان امت‌های روزگاران گذشته را از رحمت خود دور نساخت؛ مگر برای ترک امر به معروف و نهی از منکر.»^۱ و بعد می‌فرماید: «فَلَعَنَ اللَّهُ السُّفَهَاءَ لِيُرْكَبَ الْمَعَاصِيَ الْخُلَمَاءَ (الْحُكَمَاءَ) لِيَتْرَكَ النَّهْيَ؛ پس خداوند، بی‌خردان را برای نافرمانی و خردمندان را برای ترک بازداشتن دیگران از گناه، لعنت کرد.»^۲

خداوند متعال طبیعت را به‌گونه‌ای آفریده است که اعمال ما در آن تأثیر دارد. خداوند می‌فرماید که امر به معروف و نهی از منکر به عنوان دو فریضه‌ی واجب است که یکی از آثار ترک آن این است که برکات خدا را از ملت‌ها سلب می‌کند. پیامبر عظیم‌الشان اسلام صلی الله علیه و آله در این باره می‌فرماید: «لَا يَزَالُ النَّاسُ بِخَيْرٍ مَا أَمَرُوا بِالْمَعْرُوفِ وَ نَهَوْا عَنِ الْمُنْكَرِ؛ تا زمانی که امر به معروف و نهی از منکر در بین مردم باشد، همواره مردم و جامعه دینی در خیر و برکت الهی خواهند بود.»^۳ «وَ تَعَاوَنُوا عَلَى الْبِرِّ وَ نَسِيتَ بِهٖ نِيكِيهَا بِهٖ تَعَاوَنُ وَ هَمَكَارِي دَاشْتَهٗ بَاشِيْدُ.» «فَإِذَا لَمْ يَفْعَلُوا ذَلِكَ نَزَعَتْ عَنْهُمْ الْبَرَكَاتُ؛ وقتی چنین نکردند (مردم امر به معروف و نهی از منکر نکردند و در خوبی‌ها تعاون نداشتند)، آن وقت است که برکات الهی از آن‌ها جدا می‌شود.»^۴

وقتی افراد جامعه نسبت به یکدیگر بی‌تفاوت شوند و امر به معروف و نهی از منکر انجام نشود، آن وقت است که مردم نسبت به پدیده‌های نا به‌هنجار جامعه واکنش نشان نمی‌دهند و کم‌کم این امر، پدیده‌ای طبیعی می‌شود و قبح و زشتی‌اش از بین می‌رود.

وقتی چنین زمینه و بستری در جامعه به وجود آمد، الگوهای غیر اخلاقی و ضد ارزش‌ها جای خوبی‌ها را می‌گیرند و بعد از مدتی کارهای خوب و با ارزش، ضد ارزش می‌شوند.

یکی از خطرناک‌ترین آثار ترک امر به معروف و نهی از منکر در جامعه دینی (که



۱. نهج البلاغه، خطبة ۱۹۲ (خطبة قاصعه).

۲. همان.

۳. میزان الحکمه، ح ۱۲۷۳۶.

۴. همان.

تاریخ هم نشان داده و امروزه هم می بینیم) این است که باعث می شود فکر، اخلاق و منش مردم به جایی برسد که خوب را بد و بد را خوب ببینند؛ کاری که عیب است حُسن می شود و کاری که حُسن است بشود عیب! مثلاً دین دار بودن و باحجابی می شود عقب افتادن، بی حجابی می شود فهمیدن و روشنفکری! پیامبر اکرم ﷺ به اصحاب خود فرمودند: «كَيْفَ بِكُمْ إِذَا فَسَدَتْ نِسَاؤُكُمْ وَ فَسَقَ شَبَابُكُمْ وَ لَمْ تَأْمُرُوا بِالْمَعْرُوفِ وَ لَمْ تَنْهَوْا عَنِ الْمُنْكَرِ؛ چگونه خواهید شد آن روزی که بفهمید زن هایتان فاسد و جوان هایتان فاسق شده اند و شما فرمان به نیکی و جلوگیری از بدی نکنید (در برابر این دو پدیده بی تفاوت باشید؟)» اصحاب پیامبر با تعجب گفتند: «وَ يَكُونُ ذَلِكَ؛ یعنی چنین روزی می آید؟!» حضرت ﷺ فرمودند: «نَعَمْ وَ سَرُّ مِنْ ذَلِكَ؛ بله؛ چنین روزی می آید و بدتر از آن هم خواهد آمد.» آن ها گفتند: «یا رسول الله؛ بدتر از آن کدام است؟» پیامبر ﷺ فرمودند: «روزی می آید که امر به منکر و نهی از معروف و ارزش ها کنید!»^۱

یعنی به جای اینکه به فرزندت بگویی نماز بخوان؛ می گویی برو خوش گذرانی کن! به جای اینکه به دخترت بگویی حجابت را رعایت کن؛ می گویی برو آزاد و خوش باش! به جای اینکه به عدالت و انصاف در معامله و دادوستد تأکید داشته باشیم؛ می گوییم برو درآمد زیاد کسب کن و به این حرف ها توجهی نداشته باش!

(حجة الاسلام سیدآبادی، مسجد جامع گوهرشاد، ۱۷/۷/۸۶)

خلاصه بخش دوم

* نفسِ دعا نوعی عبادت است؛ چه خداوند متعال دعا را اجابت نماید و چه مقتضی نباشد و اجابت نفرماید.

* دعا اثرات تربیتی فوق العاده‌ای دارد و برکات الهی را نازل می‌کند.

* اگر کسی دعای کمیل را با توجه و تعمق لازم بخواند، ثمرات بسیاری از جانب پروردگار نصیب وی می‌شود.

* مال دیگران را (به ناحق) خوردن، باعث تغییر نعمت‌های خداوند بر انسان می‌شود.

* خداوند نیز می‌داند ما انسان‌ها چه می‌خواهیم؛ اما در گفتن (انسان) تأثیری است که در دانستن نیست.

* دعا؛ فقط گرفتن حاجت از خداوند نیست؛ دعا یعنی رفتن به محضر خداوند متعال.

* ارتباط با خدا به ما شخصیت، هویت، عظمت و قدرت می‌دهد.

* دعا، قضا و قدر، بلاها و حوادث ناگهانی را برطرف می‌کند.

* ناامیدی و افسردگی جوامع بشری، نتیجهٔ بریدن و جداشدن از خداوند است.

* بسیار مهم است که انسان کاری را انجام دهد که معصومین علیهم‌السلام برایش دعا کنند.

* هر چیزی شرایطی دارد؛ شرایط استجاب دعا را فراموش نکنیم!

* نزدیک‌ترین راه رسیدن به حضرت حق، محبت است؛ ریشهٔ محبت هم معرفت است.

* دعا به تنهایی اثری ندارد؛ دعا باید همراه با عمل باشد.

* خداوند ضامن رزق و روزی کسانی شده است که برای آن تلاش کنند.

* خوردن غذای حلال، یک شرط استجاب دعاست.

* اگر کسی چهل روز غذای حلال بخورد، خداوند قلب او را نورانی می‌کند.

* به ادای نمازهای یومیه باید اهمیت داد تا دعا مستجاب شود.

* یکی از آثار ترک امر به معروف و نهی از منکر این است که برکات خدا از ملت‌ها سلب می‌شود.





هفتکاه

پنجاه و پنج

۵۹

بخش سوم

زمان و مکان در دعا

اهمیت مکان و زمان

دعا در چه زمان ها و مکان هایی بیشتر توصیه شده است؟ چرا در زندگی انسان به جز دعا، چیزهای دیگری مانند مکان و زمان مؤثر است؟

پیامبر اکرم ﷺ در شب معراج از مسجد الاقصی به عرش خدا رفتند و آن ماجراهای معروف پیش آمد. آیا خداوند نمی توانست فرشتگانش را بفرستد تا پیغمبر ﷺ را در آغوش گرفته و به نزد خدا ببرند؟ پس چرا به پیامبر ﷺ فرمود که از خانه اُمّ هانی به مسجد الحرام بیا، بعد به مسجد الاقصی، بعد آسمان اول، دوم و؟!

چرا خداوند به معتکفین می گوید برای اعتکاف به مسجد جامع یا حرم حضرات معصومین علیهم السلام بروید؟ آیا من نمی توانم در خانه خودم دعا کنم یا معتکف شوم؟ مگر این مکان ها چه ویژگی ای دارند؟

همان طور که مکان های خاص در نزدیکی به خداوند تأثیر دارند، زمان ها نیز مؤثرند. نه فقط شب و روز، بلکه همه ی لحظات مؤثرند. گاهی شما در یک لحظه، قراردادی را امضا می کنید و این لحظه بر تمام عمرتان تأثیرگذار است. یک لحظه ”یا الله گفتن“ در زندگی انسان مؤثر است. لحظات دعا هم همین طور. سحر از زمان هایی است که استجاب دعا عیش مقرون است.

(حجة الاسلام ابوالفضل طباطبایی، صحن جمهوری اسلامی، ۹۰/۵/۳۰)



بهترین اوقات دعا

بهترین زمان برای دعا، آخرین ساعات روز جمعه است که در روایات شیعه و سنی به مستجاب شدن دعا در این وقت اشاره شده است.

در روایات آمده است که هنگام بارش باران، بعد از دو خطبه‌ی نماز جمعه، سحرگاه و شب جمعه، صبح جمعه قبل از طلوع آفتاب و جوار قبر اولیای خدا، زیر قبۀ امام حسین علیه السلام، همچنین کنار قبر علمای ربّانی؛ از جمله زمان‌ها و مکان‌هایی است که دعا زودتر مستجاب می‌شود (انشاءالله).

(حجة الاسلام قرائتی، صحن جامع رضوی، ۲۰/۵/۹۰)



کنار قبر سیدالشهدا علیه السلام

امام صادق علیه السلام حاجتی داشتند. ایشان مردی را مأمور کردند و به او فرمودند: «این پول را بگیر و به کربلا، کنار قبر جد غریبم، سیدالشهدا علیه السلام برو و برای من دعا کن!» مرد گفت: «چشم.» او از خانه امام علیه السلام که بیرون آمد به یکی از دوستان حضرت علیه السلام برخورد کرد. وی پرسید: «به کجا می‌روی؟» مرد جواب داد: «امام صادق علیه السلام مرا مأمور کرده‌اند تا به کربلا بروم و برای حاجت ایشان دعا کنم اما از این کار حضرت، معمایی برای من به وجود آمده است! مگر نه اینکه امام جعفر صادق علیه السلام و امام حسین علیه السلام، هر دو مفترض الطاعة هستند؛ پس چرا باید از مدینه به کربلا بروم و در حرم امام حسین علیه السلام برای امام صادق علیه السلام دعا کنم؟!» سپس آن دو، به محضر حضرت صادق علیه السلام رفتند. امام صادق علیه السلام تبسمی کردند و فرمودند: «مطلبی که به آن اشاره کردی، صحیح است. من و جدم امام حسین علیه السلام، امام مفترض الطاعة هستیم؛ اما خداوند بقعه‌هایی روی زمین دارد که تحت آن بقعه‌ها، دعا را مستجاب می‌کند؛ حرم امام حسین علیه السلام یکی از آن بقعه‌ها و مکان‌های مقدس است.»^۱

حرم امام رضا علیه السلام نیز یکی از آن بقعه‌هاست. «بین الجبلین روضه من ریاض الجنّة؛ بین دو کوه (شهرتوس) باغی از باغ‌های بهشت است.»
آن بهشت که بود بین دو کوه حرم توس با فَرْو شکوه

(حجة الاسلام هاشمی نژاد، صحن جامع رضوی، ۲۹/۵/۸۸)



حرم معصومین علیهم السلام و استجاب دعا

امام صادق علیه السلام خاک تربت سیدالشهدا علیه السلام را درون ظرف کوچکی داشتند و هر وقت می خواستند نماز بخوانند، با این تربت، نماز می خواندند که این نشانه ی تأثیرگذاری مکان در استجاب دعاست. ابن حبان؛ عالم سنی که دارای دو کتاب در علم رجال است، می گوید: «من مدتی در مشهد ساکن بودم. هرگاه حاجتی برایم پیش می آمد، دوان دوان به سوی حرم امام رضا علیه السلام می رفتم و دعا می کردم: «خدایا! به حق صاحب این قبر، حاجت مرا برآورده ساز!» و به این ترتیب هر بار دعای من مستجاب می شد.»

(حجة الاسلام هاشمی نژاد، رواق امام خمینی علیه السلام، ۸/۱/۸۷)

دعا در وقت سحر

«وَيَا لَأَسْحَارِهِمْ يَسْتَعْفِرُونَ؛ و (پرهیزکاران) در سحرگاهان طلب آمرزش می‌کردند.»^۱ وقتی فرزندان حضرت یعقوب پیامبر علیه السلام آمدند و از پدرشان تقاضا کردند که برای ما دعا کن! حضرت یعقوب علیه السلام فرمودند: «سَأَسْتَغْفِرُ»؛ یعنی بعداً استغفار می‌کنم. منظور ایشان این بود که در سحر دعا می‌کنم.

در هنگام سحر بسیار دعا کنید! در ماه مبارک رمضان مستحب است انسان سحرگاه بلند شود، غذا بخورد و روزه بگیرد؛ برای اینکه هرچه بیشتر از لحظات سحر استفاده کنیم و با خدا ارتباط برقرار کنیم. زمان‌های پُربرکتی مانند سحرگاه، هنگام نماز، لحظهٔ افطار، ظهر جمعه، شب قدر، شب جمعه و... در استجابیت دعا مؤثرند.

(حجة الاسلام ابوالفضل طباطبایی، صحن جمهوری اسلامی، ۳۰/۵/۹۰)



زمانی برای دعا

در خلوت یا مجلس دعا بنشین و ناله‌هایی از عمق وجودت سر برده! در نیمه شب، میان روز، در فرصت‌های مختلف مانند: هنگام دعای ندبه در صبح جمعه، در دعای سمات عصر جمعه، هنگام دعای کمیل در شب جمعه و همه این‌ها برای نگهداری عشق الهی و فراموش نشدن این رابطه، لازم است.

بشنو از نی چون حکایت می‌کند وز جدایی‌ها شکایت می‌کند
کز نیستان تا مرا بپریده‌اند از نفیرم مرد و زن نالیده‌اند

(حجة الاسلام مرحوم مهندس، رواق امام خمینی قدس سره، ۲۷/۳/۹۰)



با چه زبانی دعا کنیم؟

دعا کردن زبان خاصی ندارد. ما به هر زبانی می‌توانیم دعا کنیم؛ فارسی، عربی، فرانسوی، ترکی و... خدا، خالق و معبود ماست و همه زبانه‌ها را می‌داند. حتی وقتی با امام رضا (ع) حرف می‌زنیم، ایشان نیز زبان ما را می‌دانند. اصلاً علم امام به لغات، متعدد است. ائمه معصومین (ع) حتی زبان پرندگان را می‌دانند. پس دعا، ادبیات و زبان خاصی ندارد.

البته ادب، لازمه دعاست؛ اما مجبور نیستیم همیشه رو به قبله دعا کنیم. بعضی افراد ممکن است همیشه نتوانند به این روش دعا کنند؛ بلکه با همان زبان ساده‌ی روستایی‌شان در زمین کشاورزی، سر به آسمان بلند کرده و با خدا رازو نیاز می‌کنند؛ آیا قبول نیست؟ چرا، آن هم مورد قبول خداوند است. لازم نیست حتماً عربی بدانیم اما نکته مهم این است که دعایی را که می‌خوانیم، آیا معنی آن را می‌فهمیم، می‌دانیم چه چیزی از خداوند می‌خواهیم؟ شاید بعضی چیزها را بدانیم؛ اما واقعیت مطلب این است که فهم ما به اندازه کافی نیست. پس باید چه کنیم؟ باید به ائمه معصومین (ع) متوسل شویم. آن‌ها بهتر از ما می‌دانند که از خدا چه بخواهیم. اگر ابو حمزه ثمالی دعایی را از امام چهارم، زین العابدین (ع) گرفته و برای ما به یادگار گذاشته، برای این است که امام (ع) بهتر از ما می‌دانند چه چیزی از خدا بخواهند.

اگر می‌گوییم در روز عرفه، دعای عرفه امام حسین (ع) را بخوانیم؛ به خاطر این است که سیدالشهدا (ع) بهتر می‌توانستند با خدا صحبت کنند.

در حقیقت خواسته‌های ما در خواسته‌های ائمه معصومین (ع) نهفته است؛ بنابراین سفارش شده است تا که می‌توانید ادعیه مؤثره را بخوانید. ادعیه مؤثره چیست؟ دعاهایی است که از سوی ائمه معصومین (ع) وارد شده است (مانند دعای کمیل، دعای عرفه، ادعیه صحیفه سجادیه و...) چون مصلحت ما در آن‌ها وجود دارد. (حجة الاسلام طباطبایی، صحن جمهوری اسلامی، ۳۰/۵/۹۰)



اسراری از دعای کمیل

اولین باری که «کمیل بن زیاد نخعی» در شهر بصره، این دعای با عظمت را از وجود مبارک امیرالمؤمنین، علی علیه السلام در حال سجده شنید، به خاطر صفای باطن و پاکی قلبش به شدت تحت تأثیر این دعا قرار گرفت. بعد از تمام شدن دعا (در همان نیمه شب یا فردای آن روز) به محضر مبارک امیرالمؤمنین، علی علیه السلام مشرف شد و عرض کرد: «آقای من! دعایی را که دیشب خواندید ممکن است برایم بازگوئید تا بنویسم؟» حضرت علیه السلام با روی باز پذیرفتند که یک بار دیگر آن دعا را کامل بخوانند و کمیل نیز با دست مبارک خویش بنویسد. امام علی علیه السلام به کمیل فرمودند: «این دعا را خضر پیامبر علیه السلام قرائت می کرده است.» البته برای ما کاملاً روشن نیست که خضر نبی علیه السلام با امیرالمؤمنین، علی علیه السلام چند قرن فاصله داشته اند. ولی برداشتی که من از این مسئله دارم این است که با توجه به اینکه امام علی علیه السلام دعا را به یک پیغمبر علیه السلام نسبت می دهد، به نظر می رسد که این دعا را پروردگار مهربان عالم به قلب مبارک خضر نبی علیه السلام وحی کرده است و ایشان هم با این دعا با خداوند مناجات می کرده اند. بعد از خضر پیامبر علیه السلام احتمالاً این دعا به صورت یک سر باطنی با آن حضرت به عالم بالا رفته و اولین کسی که اجازه داشته این دعا را از حالت راز بودن آشکار کند، وجود مبارک امیرالمؤمنین؛ علی علیه السلام بوده اند. بنابراین اصل، دعای مزبور، انشاء خداوند است که اولین بار از آفاق قلب خضر پیامبر علیه السلام بر زبان ایشان طلوع کرد و در زمان حضرت علی علیه السلام این دعای نورانی برای بار دوم ظهور کرد. چون کمیل بن زیاد رضی الله عنه دعا را از حضرت علی علیه السلام گرفت و منتشر کرد؛ به نام خود کمیل معروف شد. وقتی کمیل کلمه به کلمه ی این دعا را می نوشت، امام علی علیه السلام فرمودند: «ای کمیل! زمان خواندن این دعا شب پانزده شعبان است که ارزش آن نزدیک به شب قدر است.» نیمه شعبان، هم ولادت با سعادت امام زمان علیه السلام است و هم شب پر فضیلتی است که مردم کمتر در آن شب برای خواندن دعا جمع می شوند. امیرالمؤمنین، علی علیه السلام در ادامه فرمودند: «اگر شب پانزده شعبان نتوانستی این دعا را قرائت کنی؛ بهترین زمان شب جمعه است و هر هفته آن را بخوان! اگر نتوانستی این دعا را هر هفته بخوانی؛ در طی ماه، یک شب جمعه بخوان! اگر نشد، سعی کن در طول سال، یک بار این دعا را بخوانی و اگر نشد در تمام طول عمرت یک بار هم که شده این دعا را بخوان!»

انسان باید خودش را در این دعا وارد کند، دل را به همراه اشک، هزینه این دعا کند و واقعاً حضورش را در محضر پروردگار حس نماید.

(حجة الاسلام حسین انصاریان، دارالزهد، ۸۵/۱۲/۲۴)

خلاصه بخش سوم

* همان طور که مکان های خاص در دعا و نزدیکی به خداوند تأثیر دارند، زمان ها نیز مؤثرند.

* بهترین زمان برای دعا؛ آخرین ساعات روز جمعه است، همچنین هنگام بارش باران، هنگام نمازهای واجب و نماز جمعه، سحرگاه و شب جمعه، صبح جمعه قبل از طلوع آفتاب و جوار قبر اولیای خدا، زیر قبه امام حسین علیه السلام و نیز کنار قبر علمای ربّانی.

* پرهیزکاران، در سحرگاهان طلب آمرزش می کنند.

* تا آنجا که می توانید ادعیه مؤثره را بخوانید! ادعیه مؤثره یعنی دعاهایی که از سوی ائمه معصومین علیهم السلام وارد شده است.



هفتکاه

۶۹

پرتو اجابت

بخش چهارم آداب دعا

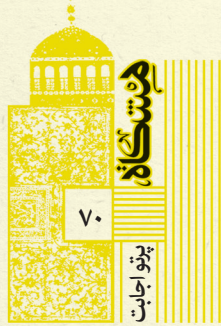
اسم اعظم

یکی از آداب دعا این است که دعای "داعی الی الله" (شخص دعاکننده) متضمن اسم اعظم الهی باشد. اسمای اعظم الهی در مجموع ۷۳ حرف است. یکی از آن‌ها اسم "مُستأثر" است که مخصوص خداوندست. از این اسم که بگذریم، ۷۲ حرف اسم اعظم در سینه مطهر امیرالمؤمنین، علی علیه السلام و فرزندان گرامی ایشان علیهم السلام جمع شده است، «...وَمَنْ عِنْدَهُ عِلْمُ الْكِتَابِ»^۱ "علم‌الکتاب"، علم اسم اعظم است. "علم‌الکتاب" در سینه مطهر علی بن موسی الرضا علیه السلام جمع است. اسامی ائمه معصومین علیهم السلام جزو اسمای معظم و اسمای حُسنای خداوندست.

قرآن می‌فرماید: «وَلِلَّهِ الْأَسْمَاءُ الْحُسْنَىٰ فَادْعُوهُ بِهَا...»؛ برای خداوند نام‌های نیکویی است، پس خدا را با (به وسیله) آن‌ها بخوانید!...»^۲

امام صادق علیه السلام در ذیل این آیه شریفه می‌فرماید: «نَحْنُ وَ اللَّهُ الْأَسْمَاءُ الْحُسْنَىٰ؛ به خداوند قسم، ما اهل بیت (ائمه معصومین علیهم السلام) اسمای حُسنای خدا هستیم (که خدا به بندگانش امر کرده خدا را به وسیله ما بخوانند).»^۳ یکی از شروط اجابت دعا این است که خدا را به امام رضا علیه السلام، امام حسین علیه السلام و سایر اهل بیت علیهم السلام قسم بدهیم تا مشکلات و گرفتاری‌هایمان حل شود؛ انشاءالله.

(حجة الاسلام هاشمی نژاد، رواق امام خمینی قدس سره، ج ۸/۱۷۱/۸)



۱. رعد، ۴۳.

۲. اعراف، ۱۸۰.

۳. الکافی (ط - الإسلامیه)، ج ۱، ص ۱۴۴.

برخی از آداب دعا

أول: بسم الله بگوئید؛

دوم: از خداوند تجلیل کنید؛ مانند دعای ماه رمضان که در آن می‌گویید: «بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ، يَا عَلِيُّ يَا عَظِيمُ، يَا غَفُورُ يَا رَحِيمُ...» در دعای کمیل هم می‌گوییم: «يَا أَوَّلَ الْأَوَّلِينَ وَ يَا آخِرَ الْأَخِيرِينَ» که این، نوعی تجلیل کردن از خداست. در روایات آمده است: «خداوند ۹۹ اسم دارد که اسماء الحُسنى هستند، مثل: سمیع، بصیر، علیم، حکیم و ...» در قرآن کریم هم، سه بار واژه اسماء الحُسنى آمده است.

سوم: نعمت‌های خدا را به یاد آوریم؛ مثل: نعمت به وجود آمدن، انسان بودن، سلامتی، عقل و فهم، هدایت و ... و برای آن‌ها از خداوند سپاسگزاری کنیم. تا زمانی که خدا این نعمت‌ها را از ما نگیرد؛ متوجه آن‌ها نمی‌شویم. مثلاً اگر شما از دروغ بدتان می‌آید؛ این خود، نعمت بزرگی است؛ افرادی هم هستند که از دروغ خوششان می‌آید.

قرآن می‌فرماید: «...وَلِكِنَّ اللَّهَ حَبَّبَ إِلَيْكُمُ الْإِيمَانَ وَزَيَّنَهُ فِي قُلُوبِكُمْ وَكَرَّهَ إِلَيْكُمُ الْكُفْرَ وَ الْفُسُوقَ وَ الْعِصْيَانَ ...»؛ ...ولی خداوند ایمان را محبوب شما قرار داده (برای شما دوست داشتنی گردانید) و آن را در دل‌هایتان زینت بخشیده و (بر عکس) کفر و فسق و گناه را در نظرتان ناخوشایند ساخت ...»^۱

یعنی ایمان، محبوب شماست و برایتان زینت است. همین که انسان با تقوا را دوست دارید ولی از شراب‌خوار و خلاف‌کار بدتان می‌آید، یک نعمت است. بالعکس آدم‌هایی هستند که از انسان نمازخوان بدشان می‌آید و از شراب‌خواران خوششان می‌آید. این‌ها نعمت‌های خداوند است که باید به آن‌ها توجه داشته باشیم.

(حجة الاسلام قرائتی، صحن جامع رضوی، ۲۰/۵/۹۰)



گوشه‌ای از نعمت‌های خدا

آیا تا به حال برای پلک زدن «الحمد لله» گفته‌اید؟ اگر پلکتان فنر نداشته باشد چکار می‌کنید؟ آیا تا به حال خدا را برای غلتیدن شکر کرده‌اید؟! اگر خدا نعمت غلتیدن را از شما بگیرد و تا صبح بر روی یک دنده بخوابید، بدنتان خشک و خرفت می‌شود. دکتری هم نیست که شما را درمان کند؛ چون او هم خرفت شده است. بنابراین غلتیدن هم یکی از بزرگ‌ترین نعمت‌هایی است که خداوند به ما عطا کرده است. قرآن می‌گوید: «اصحاب کهف را (هنگام خواب، به پهلو راست و چپ) می‌غلتانندیم.»^۱

آیا تا به حال فکر کرده‌اید اگر آب دهان ما زیادتر ترشح شود، مشکل خواهیم داشت و یا اگر گوشمان چین و چروک نمی‌داشت، صدا را می‌فهمیدیم ولی نمی‌توانستیم تشخیص دهیم از کدام طرف است؟! اگر انگشت شصتتان را کنار بگذارید، آیا باز هم می‌توانید به راحتی دکمه یقه‌تان را ببندید و یا قلم و سوزن و نخ به دست بگیرید؟!

وقتی از خدا تشکر می‌کنید، بگویید: «خدایا! به عدد هر چه می‌دانی شکر!» نگوید صد هزار تا، دویست هزار تا، یک میلیارد و... بگویید: «خدایا! به عدد علمت شکر!» یعنی بی‌نهایت شکر. ما باید از دختر امام حسین علیه السلام یاد بگیریم. وقتی این بانورا در کربلا اسیر کردند، از ایشان سؤال شد که اوضاع چطور است؟ ایشان پاسخ دادند: «أَلْحَمْدُ لِلَّهِ يَعْدِدُ رَمْلًا وَ...» یعنی به تعداد تمام دانه‌های شن، خدا را شکر! «دختر داغ‌دیده امام حسین علیه السلام این را می‌گویند؛ ولی ما وقتی بخوایم خدا را شکر کنیم؛ می‌گوییم: «خدایا، صد هزار بار شکر!» یعنی به اندازه نصف کیسه شن!!

(حجة الاسلام قرائتی، مسجد جامع گوهرشاد در جمع معتکفین، تیرماه ۸۸)



سپاس از خداوند

هر لحظه خطرات بی شماری از ما دفع می شود؛ ولی ما از آن ها غافلیم. شما نگوئید الحمد لله که به مشهد رسیدیم! فکر کنید در هر کیلومتری که طی کرده اید، صدها بار چرخ ماشین تابید و در هر چرخش ممکن بود لاستیک بترکد و ماشین سرنگون شود. اما ما فقط می گوییم: «خدا یا! شکر؛ سالم رفتیم و آمدیم...» و تنها یک شکر خرج کل سفر می کنیم. ما باید در هر لحظه به خاطر نعمت هایی که به سمت ما می آید و خطراتی که از ما دور می شود خدا را شکر کنیم. بعد از شکر خدا هم صلوات بفرستیم.

«اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَعَجِّلْ فَرَجَهُمْ وَالْعَنْ أَعْدَائَهُمْ أَجْمَعِينَ.»

بعد از صلوات، عیب های تان را بگوئید؛ البته اگر کسی کنار تان نشسته، آهسته بگوئید. کسی حق ندارد اگر گناهی کرده آن را به دیگری بگوئید؛ زیرا خودتان هستید و خدای بزرگ که آن را می داند. البته اگر گناه، حق مردم است؛ باید به طرف مقابلتان بگوئید: «آقا یا خانم، حق شما نزد من است (به گردن من است) انشاء الله ادا می کنم»؛ ولی گناهی را که حق مردم نیست، به احدی نگوئید.

لغزش های تان را به یاد بیاورید و به خدا بگوئید. آیا ما لغزش هم داریم؟ بله، یکی از لغزش ها و کوتاهی های ما این است که آیا در تمام عمرمان دو رکعت نماز با توجه خوانده ایم؟ در قرآن کریم آمده است: «مؤمن در نمازش خشوع دارد.» آیا ما خشوع داشته ایم؟

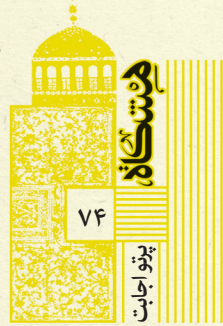
(حجة الاسلام قرائتی، صحن جامع رضوی، ۲۰/۵/۹۰)



دست‌های خالی

اگر می‌خواهی دعایت مستجاب شود؛ باید لقمه‌ات حلال (پاک) باشد. در حدیث آمده است: «بعد از گفتن عیب‌هایت، به خاطر گناہانی که کردی عذرخواهی و استغفار کن.» در دعا داریم که اگر دست‌ها مقابل صورت آمد؛ این علامت دست خالی بودن و گدایی است. فردی از من پرسید: «مگر خداوند در آسمان است که وقت دعا دست‌هایمان را به سوی آسمان بلند می‌کنیم؟» گفتم: «نه، ما با این کار نمی‌خواهیم بگوییم خدا کجاست؛ می‌خواهیم بگوییم: ”من گدا هستم“؛ آدم گدا، دستش را دراز می‌کند.»

حدیث داریم دست که برای دعا بالا می‌آید، خداوند می‌فرماید: «این بنده را محروم نمی‌کنم و هر چه بخواهد به او عطا می‌کنم؛ مگر اینکه به صلاح او نباشد.» (حجة الاسلام قرائتی، صحن جامع رضوی، ۲۰/۵/۹۰)



از خدا خیر بخواهیم

از خداوند همیشه خیر و نیکی بخواهید. جوانی نزد من آمد و گفت: «آقای قرائتی، تو را به خدا، دعا کنید تا در کنکور قبول شوم!» به او گفتم: «خداوند انشاءالله به تو خیر بدهد؛ چه قبول شدی، چه نشدی. من نمی دانم این کار برای تو خیر است یا نه؟ بنابراین از خدا خیر می خواهم.» هیچ وقت نگویید: «خدایا، من حتماً باید با فلانی ازدواج کنم یا فلان ماشین را بخرم یا فلان خانه را بگیرم»؛ بلکه بگویید: «خدایا، هرچه خیر است برای من برسان»؛ زیرا ما نمی دانیم چه چیزهایی به صلاحمان است.

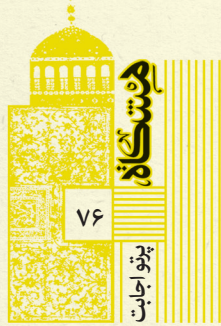
گاهی وقت ها خیر ما در تلخی هاست و ما از آن بی اطلاع هستیم. به عنوان مثال، ماشین ما به نرده می خورد و بسیار ناراحت می شویم؛ ولی وقتی پیاده می شویم، می گوییم چقدر خوب شد به نرده خورد؛ وگرنه داخل دره افتاده بودیم. یعنی ممکن است بلایی جلوی بلای دیگر را بگیرد. همیشه از خداوند خیر بخواه. به خدا اصرار نکنید که من فلان چیز را می خواهم، من حتماً فرزند دختر می خواهم. در روایت داریم، امام زین العابدین علیه السلام هیچ وقت نمی پرسیدند بچه، پسر است یا دختر؟ بلکه می فرمودند: «سالم است یا نه؟» اگر ده تا دختر هم داشته باشید باز هم حق ندارید دعا کنید خدایا، بچه یازدهم من پسر بشود. ما نمی دانیم پسر بهتر است یا دختر، این شهر یا آن شهر، این کار یا فلان کار؟ ما که نمی دانیم؛ پس بهتر است فقط از خدا خیر بخواهیم؛ آن هم نه فقط خیر دنیا؛ بلکه خیر دنیا و آخرت. چون دنیا چیزی جز پنجاه یا هشتاد سال زندگی فانی نیست؛ آنچه که ابدی هست، آخرت است.

(حجة الاسلام قرائتی، صحن جامع رضوی، ۲۰/۵/۹۰)

خدا بهتر از ما می داند

همیشه دعایتان این باشد که می خواهم بازوی امام زمان «عجل الله تعالی فرجه الشریف» باشم، مزه دین را بچشم و به دنیا بچشانم. ما افرادی را داریم که تحصیلات دانشگاهی دارند و هزار و یک مشکل هم دارند و بالعکس افرادی هستند که تحصیلات بالایی ندارند؛ ولی مشکلی هم ندارند. دانشگاه یک ارزش است؛ اما این به آن معنی نیست که هرکسی که وارد دانشگاه شد، فکر کند تمام خیرات را دارد و هرکسی که نرفت، همه بدبختی ها را دارد. حدیث داریم که نباید برای خداوند تعیین تکلیف کنید. بگویید: «خدایا، می خواهم به مکه بروم»؛ نه اینکه «خدایا، پول بده تا مکه بروم!»؛ زیرا ممکن است بدون اینکه پول داشته باشی به مکه بروی و یا ممکن است پول داشته باشی؛ اما نتوانی به مکه بروی. هیچ وقت نگویند: «خدایا، می خواهم با فلانی ازدواج کنم». آیا یقین داری آن فرد حتماً مناسب توست؟! آیا تا به حال پشیمان نشده ای؟ مسلماً چرا و این نشان دهنده این است که عقل ما کوتاه است. چون اگر عقلمان کامل بود؛ هیچ وقت پشیمان نمی شدیم. روزانه بر روی کره زمین چند هزار طلاق صورت می گیرد؟ روشن است بشر در انتخاب همسر ممکن است اشتباه کند. پشیمانی نشانه این است که عقل ما کامل نیست. شما کلی بگویید: «خدایا؛ همسری نیکو، شغل حلال، عزت دنیا و آخرت و... را به من عطا فرما.» خداوند می داند چه کاری انجام دهد.

(حجة الاسلام قرائتی، در جمع معتکفین مسجد جامع گوهرشاد، تیرماه ۸۸)



بهترین دعا، عاقبت به خیری

چیزهایی وجود دارد که در خواستن از خدا، در اولویت قرار دارند. گاهی مردم به ما مراجعه می‌کنند و می‌گویند: «التماس دعا داریم، گرفتاریم، بیمار داریم.» همه این‌ها درست است و باید از خدا خواست و دعا کرد؛ اما شما مروری کوتاه بر دعای کمیل داشته باشید، می‌بینید از آغاز دعا تا پایان آن، بیشتر مسائل کلیدی مطرح شده است؛ مسائلی که از اهمیت بالایی برخوردارند؛ مانند: سرنوشت و عاقبت به خیری. آیا این از اولویت اول برخوردار نیست؟ چه چیزی بالاتر از عاقبت به خیری است؟

در زمان مرحوم میرزای بزرگ شیرازی رحمته صاحب فتوای مشهور تنباکو (متوفی ۱۳۱۲ ه. ق) فردی خدمت ایشان رسید و به چهره ملکوتی و روحانی میرزای شیرازی نگاه کرد و گفت: «خدایا، نصف عمر من را کم کن و به عمر این آقا بیفزای.» ایشان بلافاصله فرمودند: «این چه داعی است که در حق من می‌کنی؟! شیطان هم عمر درازی کرده، آیا با عمر زیاد چیزی درست می‌شود؟» آن شخص گفت: «پس چه داعی بکنم؟» میرزای بزرگ فرمود: «دعا کن خدا مرا عاقبت به خیر کند.»

مهم این است که انسان، سالم از این دنیا خارج شود. خیلی از افراد به پایان کار (آخر عمر) رسیدند و دچار لغزش شدند! برخی هم در پایان عمر به راه راست هدایت شدند مثل «حربن ریاحی» که با جرعه‌ای که در دلش زده شد، به صراط مستقیم آمد. من نمی‌گویم انسان نباید جزئیات را از خدا بخواهد؛ بلکه باید جزئی‌ترین چیزها حتی نمک سفره‌مان را از خداوند بخواهیم؛ اما عاقبت به خیری نعمتی بسیار ارزشمند است که در اولویت قرار دارد.

حضرت موسی بن جعفر رحمته به هشام بن حکم می‌فرمایند: «هشام، وقتی حالت تضرع پیدا کردی و احساس کردی دلت از همه چیز خالی شده و به خدا متصل شدی، در آن حالت از خدا بخواه تا عقلت را کامل بگرداند.»

اگر همه دنیا را به دست انسان بدهند؛ اما عقل نداشته باشد، چه فایده‌ای دارد؟ عقل، نعمت بزرگی است که خدای متعال به من و شما داده؛ اما بعضی افراد را می‌بینی که به آخر کار رسیده‌اند و این نعمت از آن‌ها گرفته شده است. ما باید بگوییم: «خدایا، تا زمانی که زنده هستیم، مرا از نعمت عقل محروم نکن.» در بعضی از دعاهایی که سید رضی "رضوان الله تعالی علیه" در نهج البلاغه نقل

کرده، آمده است: امیرالمؤمنین؛ علی علیه السلام به خدا عرض می‌کنند: «اللَّهُمَّ اجْعَلْ نَفْسِي أَوَّلَ كَرِيمَةٍ تَنْزِعُهَا مِنْ كَرَائِمِي؛ خدایا، اولین نعمت گرانبهایی که از من می‌گیری، جانم باشد!»؛ (یعنی اول علقم نباشد). متأسفانه این دعاها به ذهن من و شما خطور نمی‌کند تا از خدا درخواست کنیم. ما همیشه می‌گوییم: «خدایا، طول عمر و سلامتی و فرزند نیکو به ما عطا کن.»

(حجة الاسلام نظری منفرد، صحن جمهوری اسلامی، ۸۷/۴/۶)



به یاد همه

در دنیا فقط خودت را نبین؛ برای دیگران هم دعا کن! نمی شود دعا کنیم که یک میلیارد و خرده‌ای کافر که در شرق آسیا هستند، هدایت شوند؟ دعایتان باز باشد، فقط برای خودتان دعا نکنید. دعای ماه رجب می‌گوید: «يَا مَنْ أَرْجُوهُ لِكُلِّ خَيْرٍ» و یا در ماه رمضان می‌گوییم: «اللَّهُمَّ أَعْنِ كُلَّ فَقِيرٍ» اگر دعا می‌کنید، همه را دعا کنید. صدقه که می‌دهید، چرا فقط برای سلامتی خودتان است؟ پولی را که در صندوق می‌اندازید یا به فقیر می‌دهید بگویید: «برای سلامتی جان امام زمان "عجل الله تعالی فرجه الشریف" و رفع بلا از اموات و زنده‌ها، هواپیماها، کشتی‌ها، ماشین‌ها، زن و مرد و بچه‌ها و... دفع بلا از کل ...»

چرا ما فقط خودمان را می‌بینیم؟!

(حجة الاسلام قرائتی، در جمع معتکفین مسجد جامع گوهرشاد، تیرماه ۸۸)

چه کسانی را دعا کنیم؟

والدین

در قرآن کریم آمده است:

«رَبِّ اغْفِرْ لِي وَ لِوَالِدَيَّْ؛ خدایا، مرا و پدر و مادرم را ببامرز.»^۱

حضرت یوسف علیه السلام وقتی در چاه افتادند و گریه شان گرفت، به یاد پدر و مادر خود افتادند و فرمودند: «خدایا، به پدرم رحم کن؛ خدایا، من را به پدرم برسان که (از فراق من) غصه نخورد.»

اولاد

حدیث داریم که امام صادق علیه السلام فرموده‌اند: «هر کس فرزندش را نفرین کند؛ فقیر می‌شود.»^۲ باز هم در حدیث داریم: «جوانانتان را نفرین نکنید که برکت از زندگی‌تان سلب می‌شود.» در قرآن هم می‌بینیم لقمان، پسرش را بسیار نصیحت می‌کند. بنابراین برای فرزندانمان دعا کنید.

گناهکاران

امام جعفر صادق علیه السلام فرمودند: «برای گناهکاران دعا کنید!» ما باید به خدا عرض کنیم: «خدایا، توفیق توبه به گناهکاران بده تا اصلاح شوند.»

ابراهیم پیامبر علیه السلام وقتی چشم ملکوتی پیدا کردند، مشاهده کردند که فردی زناکار در شهر وجود دارد. ایشان فرمودند: «خدایا، جانش را بگیر!» همین حضرت علیه السلام در جایی دیگر فهمیدند کسی در حال فساد است و باز هم فرمودند: «خدایا، جان او را هم بگیر!» خداوند فرمود: «من هم گناهکاران را می‌بینم؛ ولی ما چشم بصیرت به تو ندادیم که گناهکار را نفرین کنی؛ برای آن‌ها دعا کن.»

همسایگان و مؤمنان

امام جعفر صادق علیه السلام فرمودند: «کسی که هر روز، بیست و پنج مرتبه بگوید: «اللَّهُمَّ اغْفِرْ لِلْمُؤْمِنِينَ وَ الْمُؤْمِنَاتِ وَ الْمُسْلِمِينَ وَ الْمُسْلِمَاتِ»، خداوند متعال، به تعداد مؤمنین و مؤمنات، حسنه‌ای در نامه عملش می‌نویسد و گناهی از او محو می‌فرماید و او را درجه‌ای بالا می‌برد.»^۳



۱. نوح، ۲۸.

۲. عدة الداعی، ابن‌فهد حلی، ص ۸۰.

۳. منہج الیقین، ص ۲۹۶؛ ثواب العمال، ص ۱۶۱.

خدا به حضرت موسی علیه السلام فرمود: «ای موسی، همیشه سعی کن ابتدا دیگران را دعا کنی و کاری کن که دیگران تو را دعا کنند؛ من دوست دارم دعای هرکسی برای دیگران باشد و از زبان دیگران درباره تو دعا بشنوم.»
در سیره حضرت فاطمه علیها السلام آمده است که امام حسن مجتبی علیه السلام فرمودند: «مادرم از ابتدای شب تا صبح برای همسایگان، مؤمنین و مؤمنات دعا می کردند.»^۱

حضرت فاطمه علیها السلام می فرمودند: «الْجَارُ ثُمَّ الدَّارُ؛ اَوَّلُ هِمَسَائِكُنَّ، بعد اهل خانه.»^۲ و این نه فقط برای دعا؛ بلکه یک پیام کلی است.
حضرت فاطمه علیها السلام برای بعضی افراد بیشتر دعا کرده اند؛ یکی همسایگان و دیگری کسانی که فرزندان ایشان را یاری کنند. ذریه حضرت فاطمه علیها السلام شامل ائمه معصومین علیهم السلام و سادات می شوند. یاری کردن اهل بیت علیهم السلام به این معنی است که ما دل امامان علیهم السلام را با نگاه کردن به صحنه های حرام، بد حجابی، غفلت از نماز و ... نیاز داریم. امام رضا علیه السلام در وقت نماز هر کاری که داشتند کنار می گذاشتند و می فرمودند: «أَوَّلُ اِقَامَةِ نَمَازٍ؛ بعد کار.»
رضایت امام رضا علیه السلام در این نهفته است که به نماز اول وقت اهمیت دهیم، زبان و چشم خود را کنترل کنیم و ...

امیرالمؤمنین، علی علیه السلام فرمودند: «أَعْيُنُونِي بِوَرَعٍ وَاجْتِهَادٍ وَعَقْفَةٍ وَ سَدَادٍ؛ من (ما اهل بیت علیهم السلام) را با تقوا و پرهیزکاری، تلاش فراوان، پاکدامنی و راستی در کردار و گفتار یاری کنید.»^۳

(حجة الاسلام دکتر رفیعی، رواق امام خمینی قدس سره، ۸/۲/۸۹)

۱. وسائل الشیعه، ج ۷، ص ۱۱۳.

۲. همان.

۳. نهج البلاغه، نامه ۴۵.

دیگران چشم انتظارند

برای دیگران هم دعا کنید. از بزرگان دین، حدیث داریم؛ اگر برای چهل مؤمن دعا کنید، دعای شما هم مستجاب می‌شود؛ به شرط اینکه دعا برای این چهل مؤمن با سوز دل همراه باشد. زیرا ممکن است بعضی افراد برای دیگران دعا کنند ولی هدفشان آن‌ها نیست؛ بلکه دعا برای خودشان است. این افراد با خودشان می‌گویند: برای چهل نفر دعا کنم تا دعای خودم مستجاب شود. در حقیقت مؤمن باید عمیقاً دلش به حال دیگران بسوزد و از ته دل برایشان دعا کند.

(حجة الاسلام قرائتی، صحن جامع رضوی، ۲۰/۵/۹۰)

حتی برای کسانی که به شما بد کرده‌اند، دعا کنید! یکی از علمای جامعه مدرسین، آیه الله سید مهدی روحانی "رضوان الله تعالی علیه" که من از ایشان شنیدم، می‌گفتند: «فردی در مسجد النبی برای دوستانش این طور دعا می‌کرد: "خدایا؛ بیمار فلانی را شفا بده، مشکل فلانی را حل کن، به فلانی همسری نیکو عطا فرما و...". یکی یکی دوستانش را نام می‌برد و برایشان دعا می‌کرد. ناگهان یکی از دوستانش را که با او مشکل داشت و از دنیا رفته بود، به یاد آورد؛ اما برای او دعایی نکرد. همان شب دوستش را در خواب دید که به او گفت: "تو در مسجد النبی مشغول دعا بودی و من در قبر به دعای تو نیاز داشتم و آمدم خودم را نشان دادم (در ذهنت آمدم)، اگر هم با هم مشکلی داشتیم بعد از مرگ مرا ببخش"»

روشن است آن‌هایی که به ذهن شما می‌آیند؛ روحشان به شما التماس می‌کند.

(حجة الاسلام قرائتی، در جمع معتکفین مسجد جامع گوهرشاد، تیرماه ۸۸)



دعا برای سلامتی امام زمان عجل الله فرجه

دعا کردن در حق دیگران، نوعی ادب است. جایی گفته نشده است که دعاکننده باید از دعاشونده بالاتر باشد. خداوند آیه الله العظمی گلبایگانی را که یکی از مراجع بزرگ تقلید بودند، رحمت کند! روزی ایشان به عیادت بیماری در یکی از بیمارستان‌های قم رفتند. بیمار از اینکه می‌دید مرجع تقلیدی به عیادت او آمده است، بسیار خوشحال شد و گفت: «آقا، برایم دعا کنید!» ایشان هم فرمودند: «بسیار خوب؛ دعا می‌کنم اما قول بده تو هم برای من دعا می‌کنی.» [این‌طور می‌فرمایند؛] چون دعای بیمار در حال اضطرار، مستجاب است. بنابراین جایی گفته نشده است که دعاشونده باید رتبه‌اش پایین‌تر باشد؛ یعنی یک فرد عادی هم می‌تواند برای یک امام معصوم علیه السلام دعا کند.

بعضی‌ها شاید بپرسند، آیا امام زمان عجل الله فرجه هم بیمار می‌شوند که ما برای سلامتی‌شان دعا می‌کنیم؟ بله؛ امام زمان علیه السلام هم ممکن است مانند دیگر امامان بیمار شوند. پس بیایید برای سلامتی، امنیت و ظهور امام زمان عجل الله فرجه دعا کنیم و بگوییم: «اللَّهُمَّ كُنْ لَوْلِيكَ الْحُجَّةَ ابْنَ الْحَسَنِ ...»

(حجة الاسلام دکتر رفیعی، صحن جمهوری اسلامی، ۸۵/۴/۸۷)



خلاصه بخش چهارم

* یکی از شروط اجابت دعا این است که خدا را به امام رضا، امام حسین و سایر اهل بیت علیهم السلام قسم بدهیم تا مشکلات و گرفتاری هایمان حل شود؛ ان شاء الله. * همین که انسان با تقوا را دوست دارید ولی از شراب خوار و خلاف کار بدتان می آید؛ یک نعمت است.

* هر لحظه، خطرات بی شماری از ما دفع می شود؛ ولی ما از آن ها غافلیم. * بهتر است فقط از خدا خیر بخواهیم؛ آن هم نه فقط خیر دنیا، بلکه خیر دنیا و آخرت.

* حضرت فاطمه علیها السلام برای بعضی افراد بیشتر دعا کرده اند؛ یکی همسایگان و دیگری کسانی که فرزندان ایشان را یاری کنند.

* رضایت امام رضا علیه السلام در این نهفته است که به نماز اول وقت اهمیت دهیم، زبان و چشم خود را کنترل کنیم و....

* اگر برای چهل مؤمن دعا کنید؛ دعای شما هم مستجاب می شود.

* بیاید برای سلامتی، امنیت و ظهور امام زمان علیه السلام دعا کنیم.





هفتکاه

۸۵

پرتو اجابت

بخش پنجم

چرا دعا مستجاب نمی شود؟

علل پیش آمدن بلاها و مشکلات

مصائب، مشکلات، تلخی‌ها و ناگواری‌هایی که به ما انسان‌ها می‌رسد و بر زندگی مان وارد می‌شود، از سه ناحیه است:

۱. عکس‌العمل و پاسخ به اعمال خودمان است

«وَمَا أَصَابَكُمْ مِنْ مُصِيبَةٍ فَبِمَا كَسَبَتْ أَيْدِيكُمْ...» و هر مصیبتی که به شما برسد، به خاطر اعمالی است که انجام داده‌اید...»^۱

مردان خدا پرده‌پندار دریدند یعنی همه جا غیر خدا هیچ ندیدند هر دست که دادند، همان دست گرفتند هر نکته که گفتند، همان نکته شنیدند

اگر تلخی در عالم ایجاد کنیم؛ تلخی می‌چشیم و چنانچه شیرینی ایجاد کنیم؛ خداوند به کام ما عسل می‌ریزد. این قانون هستی است. ممکن است دیر و زود شود؛ اما پابرجاست. برای مثال: اگر تاوان آن ترقه‌ای که جوانی می‌اندازد و دلی را می‌لرزاند، امروز ایجاد نشد، در آینده عواقب آن را خواهد دید.

امیرالمؤمنین، علی علیه السلام می‌فرماید: «اگر مرا برهنه کنند و بر روی خارها بکشانند، برای من دوست داشتنی‌تر است از اینکه روز قیامت، خدا را درحالی ملاقات کنم که به بنده‌ای ظلم کرده‌ام و یا دانه‌ای جو را با ظلم از دهان مورچه‌ای درآورده باشم!»

این بزرگان خوب می‌دانستند قوانین آفرینش و طبیعت چیست؛ شک نکن که اگر در این دنیا به مورچه‌ای ظلم کردی، ظلم خواهی دید! منتظر دست پر قدرت انتقام الهی باش! از کوچک‌ترین حرکات بگیرد تا ظلم‌های بزرگ به مردم. گاهی ما انسان‌ها کارها و اشتباهاتی انجام می‌دهیم و وقتی بلایی بر ما نازل می‌شود می‌گوییم: «خدایا، مگر ما چه گناهی کردیم؟!»

۲. نتیجه بی‌تدبیری است

امیرالمؤمنین، علی علیه السلام فرموده‌اند: «سَوْءُ التَّدْبِيرِ سَبَبُ التَّدْمِيرِ؛ بی‌تدبیری (سوء مدیریت) موجب سقوط و نابودی می‌شود.»^۲

اگر کسی در زندگی، عقلش را به کار نگیرد و تدبیر درستی نداشته باشد؛ باعث



۱. شوری، ۳۰.

۲. تصنیف غررالحکم و دررالکلم، ص ۳۵۴، ح ۸۰۸۹.

می‌شود گرفتار مشکلات بسیاری شود. ”تدمیر“ در عربی به معنی ویران کردن است. ما زندگی مان را با بی‌تدبیری خراب می‌کنیم.

به دختری می‌گویند: «شما که به فلان پسر علاقه‌مند شدید؛ معلوم نیست که او انسان خوبی باشد، معلوم نیست همسر شایسته‌ای برای شما باشد، معلوم نیست در آینده پدر متعهدی برای فرزندان باشد، ما تحقیق کردیم؛ او دارای فلان مشکل است...» اما دختر قبول نمی‌کند. متأسفانه بعد از ازدواج هم ما شاهد هستیم که مشکلاتی برای آن‌ها پیش می‌آید. چرا؟ چون خودکرده را تدبیر نیست!

یکی از راهکارهای تدبیر، مشورت کردن است. همیشه از یک انسان با تجربه راهنمایی بخواهید. به عنوان مثال، جهت ازدواج، خرید ماشین، خرید خانه و... در این موارد، باید هزینه هم کرد، که اسراف هم نیست؛ چون سودش به خودت می‌رسد.

۳. امتحان الهی است

گاهی هم، نه کار بدی کردی که عکس‌العمل کارهایت باشد و نه بی‌تدبیری کردی که نتیجه‌اش را ببینی. خداوند بنای خلقت را بر امتحان نهاده است. به عنوان مثال، یک دانشجو باید امتحان بدهد تا استاد متوجه شود نمره‌اش چقدر است.

«أَمْ حَسِبْتُمْ أَنْ تَدْخُلُوا الْجَنَّةَ وَلَمَّا يَأْتِكُمْ مَثَلُ الَّذِينَ خَلَوْا مِنْ قَبْلِكُمْ... آیا گمان کردید که داخل بهشت می‌شوید، بی‌آنکه حوادثی همچون حوادث گذشتگان به شما برسد؟!»^۱

«وَلَقَدْ فَتَنَّا الَّذِينَ مِنْ قَبْلِهِمْ فَلَيَعْلَمَنَّ اللَّهُ الَّذِينَ صَدَقُوا وَلَيَعْلَمَنَّ الْكَاذِبِينَ؛ ما کسانی را که پیش از آنان بودند آزمودیم؛ باید علم خدا درباره کسانی که راست می‌گویند و کسانی که دروغ می‌گویند تحقق یابد.»^۲

تا وقتی دستت به جایی نمی‌رسد، انسان خوبی هستی؛ اما وقتی مدیر کل جایی می‌شوی و میلیاردها اموال اداره یا ارگانی دست شماست؛ باید ببینی آنجا هم می‌توانی خطا نکنی؟

«وَلَنَبْلُوَنَّكُمْ بِشَيْءٍ مِّنَ الْخَوْفِ وَالْجُوعِ وَ نَقْصٍ مِّنَ الْأَمْوَالِ وَالْأَنْفُسِ وَ الثَّمَرَاتِ وَ بَشِيرٍ الْمُضَائِرِينَ؛ و قطعاً شما را به چیزی از [قبیل] ترس و گرسنگی و کاهش در

اموال و جان‌ها و محصولات می‌آزماییم؛ شکیبایان را مژده بده!»^۱
امتحانات الهی گاهی به جان، مال یا آبرویتان می‌خورد، گاهی هم به بازار یا امنیت شما ضربه می‌زند. خوشا به حال انسانی که درسش را می‌داند و از امتحان فراری نیست! و باید دعا کنیم که: «خدایا، ما را در امتحانات خویش سربلند قرار ده. خدایا، ما را در مصیبت‌ها یاری کن و صبر و تحمل و بردباری در تلخی‌ها و مصائب و دورنشدن و شک‌نکردن به درگاهت را به همه ما عطا فرما.»
(حجة الاسلام نقویان، رواق امام خمینی رحمته، ۲۹/۱۰/۹۰)



چرا دعا مستجاب نمی شود؟

چرا گاهی اوقات دعا می کنیم ولی مستجاب نمی شود؟

قرار نیست خداوند بلافاصله دعای ما را مستجاب کند و حاجت ما را بدهد. ممکن است برآورده شدن حاجت ما شش ماه، یک سال و یا بیست سال به طول بینجامد. پس نباید عجله کرد؛ زیرا عجله در اجابت دعا، وسوسه شیطان است. در روایت آمده است؛ هنگام دعا امیدوار باشید و تصور کنید وقتی حاجتتان را از خداوند خواستید، همان لحظه حاضرست؛ اما خیلی عجله نکنید و اگر دیدید دعایتان مستجاب نشد؛ مبادا نا امید شوید و به خدا گله کنید!

(حجة الاسلام ابوالفضل طباطبایی، صحن جمهوری اسلامی، ۹۰/۵/۳۰)

ما نمی‌دانیم

افراد زیادی نامه می‌نویسند، تلفن می‌زنند و یا حضوری مراجعه می‌کنند و می‌گویند: «ما بسیار دعا می‌کنیم؛ اما مستجاب نشده است!»
ای مردم! بدانید علم ما محدود؛ ولی علم خدا نامحدود است. گاهی وقت‌ها چیزی را از خدا می‌خواهیم که ممکن است به ضرر ما باشد.

من در زندگی شخصی‌ام تجربه کردم. زمانی حاجت مهمی داشتم و با تمام وجود آن را از خدا خواستم؛ اما برآورده نشد. بعد از مدتی فهمیدم اگر انجام می‌شد، تا آخر عمر بیچاره بودم. این نکته مهمی است؛ به ویژه برای جوانان عزیز که می‌گویند: «اصرار کردیم؛ اما به جایی نرسیدیم!» جوانی می‌گوید: «من فلان دختر را می‌خواهم. مرتب دعا می‌کنم؛ ولی به خواسته‌ام نرسیدم.» تواز آینده چه خبرداری؟ شاید با این ازدواج، مشکلات خاصی برایت به وجود آید و بدبخت شوی!

(آیه الله مکارم شیرازی "حفظه الله تعالی"، صحن جامع رضوی، ۸۸/۵/۸)



ایمان به پیامبران

امام محمد باقر علیه السلام می فرمایند: «دو برادر، در زمان حضرت عیسی مسیح علیه السلام زندگی می کردند. بر اثر اتفاقی خاص [که امام توضیح نمی دهند] هر دوی آن ها که انسان های خوبی بودند، گرفتار مشکل مشابهی می شوند. یکی از آن ها از نظر ظاهری زیباتر به نظر می رسد و دیگری زشت تر. آن ها وقتی دیدند گرفتاری شان حل نمی شود، تصمیم گرفتند به درگاه خداوند دعا کنند. برادری که زیبا نبود، یک شب برای راز و نیاز با خدا از خواب بیدار شد و ناله کرد و از پروردگار خواست تا مشکلش را حل کند؛ به این ترتیب، ظهر روز بعد، حاجت او برآورده شد. اما آن برادری که زیباتر بود تا چهل شب دعا کرد؛ ولی گشایشی در کارش اتفاق نیفتاد. به همین دلیل خدمت حضرت عیسی مسیح علیه السلام رسید و گفت: «آقا! من و برادرم مشکل مشابهی داشتیم. برادرم یک شب به درگاه الهی دعا کرد و مشکلش حل شد؛ ولی من چهل شب به درگاه خدا دعا کردم؛ اما چیزی حاصل نشد! چرا؟!» عیسی بن مریم علیه السلام فرمودند: «نمی دانم؛ باید از پروردگار بپرسم.» حضرت عیسی علیه السلام از خدا پرسید: «بار الها، چرا مشکل این بنده ات که چهل شب به درگاه تو ناله کرد، حل نشده است؟!» خطاب رسید: «ای عیسی، او هنوز پیامبری تو را باور نکرده و دلش آلوده به گناه است.»»

(حجة الاسلام حسین انصاریان، صحن جمهوری اسلامی، ۳/۳/۸۷)

مصلحت تو در این نیست

شاید حدیث معروف "ثعلبه بن حاطب انصاری" را شنیده باشید. در میان اصحاب پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله، مرد فقیر و کارگری بود که پنج نوبت در نماز جماعت حاضر می‌شد. او هر روز دامن پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله را می‌گرفت و می‌گفت: «یا رسول الله، دعا کنید من ثروتمند شوم.» پیامبر صلی الله علیه و آله می‌فرمودند: «مصلحت تو را در این نمی‌بینم.» فردا دوباره این خواسته را تکرار می‌کرد و می‌گفت: «یا رسول الله، این عنایت را در حق من انجام دهید؛ سعی می‌کنم از آن ثروت فقط در راه خدا استفاده کنم.» سرانجام پیغمبر اسلام صلی الله علیه و آله برای او دعا کردند تا درس عبرتی باشد. با درگذشت یکی از خویشاوندان، آن مرد فقیر، ثروت زیادی به دست آورد. او صاحب تعدادی گوسفند شد و گوسفندان زاد و ولد کردند. کسی که پنج نوبت در نماز حاضر می‌شد، از آن پس فقط جمعه‌ها می‌آمد. وقتی آیه زکات نازل شد، مأموران پیغمبر صلی الله علیه و آله برای گرفتن زکات نزد "ثعلبه بن حاطب" رفتند و گفتند: «آیه نازل شده است و باید از این گوسفندان زکات بدهی.» ثعلبه پرسید: «چه تعداد؟» جواب دادند: «از هر چهل گوسفند باید یک رأس بدهی.» ثعلبه گفت: «زکات این همه گوسفند، بسیار می‌شود. به پیامبر بگویید ما مسلمان شدیم که جزیه ندهیم؛ مگر نامسلمانیم که می‌خواهی از ما جزیه بگیری؟!»

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله وقتی این حرف را شنیدند، فرمودند: «وای بر این ثعلبه! گفتم که تو ظرفیت ثروتمندی را نداری و اصرار نکن!»

از این داستان نتیجه می‌گیریم که گاهی مصلحت نیست بعضی چیزها به انسان برسد. روایت داریم که خداوند متعال فرموده است: «از آن بهترش را ذخیره‌ی روز قیامتت می‌کنم.» بنابراین اگر برای خواسته‌ای اصرار کردی و به جایی نرسیدی، مبادا از دعا کردن دست برداری و با خدا، امام رضا علیه السلام و دیگر معصومین علیهم السلام قهر کنی که من فلان چیز را خواستم و مستجاب نشد!

(آیه الله مکارم شیرازی "حفظه الله تعالی"، صحن جامع رضوی، ۸/۵/۸۸)



خدا و امامان تو را دوست دارند

هر که در این بزم مقرب تر است جام بلا بیشترش می دهند
حدیث شریفی داریم که وقتی بنده دعا می کند؛ خدا حاجتش را به دو فرشته می دهد؛ مثلاً شفای مریضش، اصلاح پسر نا اهلش، وسعت روزی که می خواسته و...؛ اما به دو ملک می فرماید: «حوایج او را امشب برآورده نکنید وگرنه از در خانه ما می رود!» «فَإِنِّي أُحِبُّ صَوْتَهُ»^۱

خدا می فرماید: «صدای بنده ام را دوست دارم»، صدای ”العفو“ گفتنش را دوست دارم؛ اگر دوست نداشته باشد، وقتی بنده می آید حاجتش را می خواهد می گوید: «إِنِّي أُبِغِضُ صَوْتَهُ؛ صدایش را دوست ندارم»، حاجتش را بدهید!
بعضی افراد می گویند: «چند سال است که ما به مشهد می آییم و کنار قبر مبارک امام رضا علیه السلام دعا می کنیم؛ اما دعایمان مستجاب نمی شود، شاید امام رضا علیه السلام ما را دوست ندارند.» نه! برعکس؛ امام رضا علیه السلام شما را بسیار دوست دارند. حوائج مانند غذایی ست که ما را به طرف خود می کشاند. به عنوان مثال، پدر کودک نوپایی که تازه راه افتاده، دوست دارد راه رفتن را به او یاد دهد. برای همین، شکلاتی دستش می گیرد، یک متر عقب تر می ایستد و به فرزندش می گوید: «بیا این شکلات را از من بگیر.» کودک به خاطر شکلات یک قدم جلوتر می آید و همین که نزدیک می شود، پدر شکلات را عقب تر می برد.

تو هم می خواهی حاجت خود را بگیری و بروی؛ اما امام رضا علیه السلام می خواهد [مانند پدر] تو را تربیت کند و صیقل دهد و با این اشک ها، گریه ها و سوز و گدازها به خدا نزدیک کند؛ چون سوختن، انسان را به خدا نزدیک می کند.

(حجة الاسلام هاشمی نژاد، رواق امام خمینی علیه السلام، ۸/۶/۸۹)

یکی از دلایل اجابت نشدن دعا

دعا اگر مستجاب نمی‌شود، بدانید سرّی در آن نهفته است. به عنوان مثال، وقتی کودکی یک توپ ورزشی می‌خواهد، والدین آن را می‌خرند؛ ولی در کمدمی گذارند و می‌گویند: «توپ را برایت خریده‌ایم، اما الان به تو تحویل نمی‌دهیم؛ چون موقع درس و امتحانات است و اگر توپ را بدهیم، به درست لطمه می‌خورد.» بعضی مواقع اگر حاجت ما همان لحظه برآورده شود، به راز و نیاز و عیار ایمان ما لطمه وارد می‌شود.

(حجة الاسلام عزیزی، صحن جمهوری اسلامی، ۳۰/۵/۹۰)



خیر و صلاح را نمی دانیم

در یکی از صحن های حرم امام رضا علیه السلام دختر خانمی پیش من آمد و گفت: «حاج آقا، سؤالی دارم؛ من هرچه دعا می کنم مستجاب نمی شود! چرا خدا به حرف ما گوش نمی دهد؟» به او گفتم: «یک سؤال هم من از شما دارم؛ به من بگو تو بنده خدایی یا خدا بنده تو؟! این را اول روشن کن. تو فکر می کنی خدا نوکر توست؟! تو بندگی ات را بکن؛ اگر صلاح باشد، خدا حوائج تو را برآورده می کند وگرنه انجام نمی دهد.» ما نمی دانیم صلاحمان چیست. گاهی ما چیزی را دوست داریم که به ضرر ماست و گاهی هم از چیزی کراهت داریم (بدمان می آید)؛ ولی خیر ما در آن است! خداوند در قرآن کریم می فرماید: «... وَ عَسَى أَنْ تَكْرَهُوا شَيْئًا وَ هُوَ خَيْرٌ لَّكُمْ وَ عَسَى أَنْ تُحِبُّوا شَيْئًا وَ هُوَ شَرٌّ لَّكُمْ وَ اللَّهُ يَعْلَمُ وَ أَنْتُمْ لَا تَعْلَمُونَ؛ چه بسا چیزی را خوش نداشته باشید، حال آنکه خیر شما در آن است، و یا چیزی را دوست داشته باشید، حال آنکه شر شما در آن است، و خدا می داند و شما نمی دانید.»^۱

(حجة الاسلام قرائتی، صحن جامع رضوی، ۲۰/۵/۹۰)

قفل من خراب است

مُدام نگویند واعظان بر منبر گفتند خدا می فرماید: «أَدْعُونِي أَسْتَجِبْ لَكُمْ؛ مرا بخوانید تا شما را اجابت کنم»؛ ما ده روز ناله و زاری کردیم و متوسل شدیم، نذر کردیم ولی مشکل مان حل نشد!

خداوند فرموده است: «دعا کنید؛ اجابت می کنم»؛ اما به این راحتی نیست که به خدا بگوییم قفل مشکل ما را باز کن و خدا هم بگوید الان باز می کنم. شرایط باز شدن قفل باید در ما ایجاد شده باشد. کلید همه مشکلات در دست خداوند است. باید دید چه مشکلی در ما وجود دارد که دعایمان مستجاب نمی شود؟ باید مشکل را پیدا کنیم. حالا اگر من حرم می روم و زیارت می کنم، باید وجود من پاداش خدا را جذب کند. اما اگر درون (وجود) من گرفتار حسد، بخل، کینه، دورویی، تعصب بی جا، لجبازی یا... باشد، دعایم مستجاب نمی شود.

(حجة الاسلام حسین انصاریان، صحن جمهوری اسلامی، ۳/۳/۸۷)



فلسفه دعا یعنی اجابت شدن؟!

گاهی اوقات دعا مستجاب می‌شود و گاهی اوقات هم نه. آیا فلسفه دعا، مستجاب شدن یا جواب گرفتن است؟ آیا مقصود از اینکه خداوند فرموده: ”مرا بخوانید تا اجابت کنم“؛ این است که فلسفه دعا، تنها اجابت است؟

قطعاً این طور نیست؛ حکمت دعا، همان روح دعاست. همین قدر که ما احساس کنیم اجازه داریم با خدای خود سخن بگوییم، این حکمت والای دعاست. ما وقتی با کسی سخن می‌گوییم، احساس می‌کنیم در محضرا هستیم. حتی اگر ارتباط تلفنی برقرار کرده باشیم، احساس می‌کنیم نزدیک او هستیم و فاصله‌ها کم شده است. خداوند می‌فرماید: «همین قدر که تو احساس کنی به من نزدیک شده‌ای و قدرت سخن گفتن با من را داری؛ این بالاترین ارزش و حکمت دعا برای توست.»

انسان اگر می‌خواهد به معشوق برسد، باید قفل در خانه معشوق از دستش خارج نشود. باید همیشه در خانه خدا باشی، همیشه یا الله و یا رحمان بر زبان جاری باشد. خداوند دنبال بهانه است تا ما در خانه‌اش بمانیم و با او ارتباط داشته باشیم. اگر ما عاشقیم و خداوند معشوق ماست، عاشق غیر از در خانه معشوق کجا را دارد؟!

(حجة الاسلام ابوالفضل طباطبایی، صحن جمهوری اسلامی، ۳۰/۵/۹۰)

گناهکار، پلید است

ای بنده، هر وقت بخواهی می‌توانی به وسیله دعا، درهای نعمت الهی را باز کنی و باران رحمت خداوندی را به طرف خودت متوجه سازی؛ اما این ما هستیم که در عبادت خداوند کوتاهی می‌کنیم و ما هستیم که این قدرت و نعمت فوق العاده را ضایع می‌کنیم. یکی از چیزهایی که نعمت دعا کردن را ضایع می‌کند، گناه است. خدا انسان گناهکار را دوست ندارد.

آدم گناهکار، پلید است و دعایش مستجاب نمی‌شود. اگر بخواهیم دعایمان مستجاب شود؛ باید قبلش به خاطر گناهایی که انجام داده‌ایم، توبه کنیم و به خدای تبارک و تعالی عرض کنیم: «خدایا، تا به حال ترمّد و سرپیچی کردم؛ اما حالا می‌خواهم برگردم»؛ البته باید توجه کنیم که دیگر توبه مان را نشکنیم. شاعر می‌گوید:

از بس که شکسته، باز بستم توبه فریاد کند همی ز دستم توبه
دیروز به توبه‌ای شکستم ساغر امروز به ساغری شکستم توبه

این بنده‌ای است که به عهد و پیمان خود پایبند نیست و هر چه قول می‌دهد خلافش را عمل می‌کند؛ نمی‌توان به او اطمینان کرد. اگر می‌خواهی سالم (سعادت‌مند) از این عالم بروی، با خدا عهد (پیوند) ببند؛ خدایی که سلاطین قهار نیز در این دنیا مغلوب حکم او هستند.

غزه مشو که مرکب مردان مرد را در سنگلاخ بادیه پی‌ها بریده‌اند
از لطف و رحمت خداوند هم نا امید مشو؛ چرا که همه گرفتاری‌ها و مشکلات در خانه خدا حل می‌شود.

ما به مسکینی سلاح انداختیم درد ما را نیست درمان؛ الغیاب

اَوَّلِ دَعَا بَکُو: «خدایا، تو خدایی و ما بنده تو هستیم». در روایتی از امام صادق (ع) آمده است که فرمودند: «هَلْ نَعْرِفُونَ طُولَ الْبَلَاءِ مِنْ قِصْرِهِ؟ قُلْنَا: لَا! قَالَ إِذَا أَلَّهَمَّ أَحَدَكُمْ الدُّعَاءَ عِنْدَ الْبَلَاءِ فَأَعْلَمُوهُ أَنَّ الْبَلَاءَ قَصِيرٌ؛ آیا می‌دانی بلا و گرفتاری‌ها تا چه زمانی طول می‌کشد؟ گفتند: نه! حضرت (ع) فرمودند: «هر وقت دیدی که به دعا کردن موفق شدی؛ بدان که خداوند متعال می‌خواهد این بلا را از تو بردارد.»»

گاهی اوقات نیز ممکن است بلا تمام وجودت را گرفته باشد؛ ولی موفق به دعا کردن نیستی.

(آیه الله ممدوحی "حفظه الله تعالی"، دارالقرآن صحن جمهوری اسلامی، ۸۷/۵/۷)



گناهان جدید؛ بلاهای جدید

حضرت ثامن الحجج؛ آقا علی بن موسی الرضا علیه السلام فرمودند: «كَلَّمَا أَخَذَتْ الْعِبَادُ مِنَ الذُّنُوبِ مَا لَمْ يَكُونُوا يَعْمَلُونَ أَخَذَتْ اللَّهُ لَهُمْ مِنَ الْبَلَاءِ مَا لَمْ يَكُونُوا يَعْرِفُونَ؛ هرگاه بندگان، گناهان جدیدی مرتکب شوند که تا قبل از آن مرتکب نمی شدند؛ خداوند بلاهایی جدید برای آن‌ها می فرستد که از آن آگاه نیستند.»^۱

بسیاری از بلاها و گرفتاری‌ها را خداوند نمی خواهد به ما بدهد، اما رفتارهای ناشایست ما، غفلت‌ها، گناهان و بی توجهی‌های ما باعث ایجاد این مشکلات می شود.

خداوند متعال می فرماید: «فَلَيْسَتْ جَبِيئُوا لِي؛ پس (بندگان) باید دعوت مرا بپذیرند.»^۲

پیام خدا این است که به شما نعمت سلامتی عطا کردم؛ چرا آن را در راه طغیان، سرکشی و گناه به کار بردید؟ به شما نعمت ثروت عطا کردم؛ چرا آن را علیه دستورات من به کار گرفتید؟ آیا این شکر نعمت است؟

بنابراین وقتی ما دعوت الهی را اجابت نمی کنیم؛ چگونه انتظار داریم خداوند دعای ما را اجابت کند؟!

(حجة الاسلام مرحوم مهندس، رواق امام خمینی قدس سره، ۲۷/۳/۹۰)



۱. الکافی (ط - الإسلامیه)، ج ۲، ص ۲۷۵.

۲. بقره، ۱۸۶.

استجاب دعا با طهارت ظاهر و باطن

چرا دعا مستجاب نمی شود؟ چون ما آداب دعا کردن را نمی دانیم. می فرمایند: شرط اول داعی الی الله (دعا کننده به سوی خدا) این است که طهارت ظاهر و باطن داشته باشد. بازبانی بگویی "یا رَبِّ، یا رَبِّ" که غیبت نکرده باشی، دروغ نگفته باشی، تهمت نزده باشی، به همسرت یا فرد دیگری فحش و ناسزا نگفته باشی، دلی را زرده نکرده باشی، دلی را نشکسته باشی و.... بازبانی خدا را بخوان که پاک و طاهر باشد.

شهید محراب، آیه الله دستغیب رحمته می نویسد: «یکی از بزرگان، سه سال خدا را می خواند؛ ولی دعایش مستجاب نشد. روزی به خدا گلیه کرد؛ "خدایا، سه سال است که دعا می کنم؛ چرا دعای من را مستجاب نمی کنی؟! در عالم رؤیا به او الهام شد: "تو بازبانی خدا را می خوانی که گاهی غیبت می کند و دروغ می گوید"»

چگونه انتظار داری خداوند دعای زبانی را که گناهان بسیاری انجام داده، بپذیرد؟! بعضی گناهان به خاطر تکرار، قبح و زشتی اش شکسته شده؛ مثلاً دروغ که برای بعضی از ما کاملاً عادی شده است.

خاتم الانبیاء؛ محمد مصطفی صلی الله علیه و آله، مجلس میهمانی (ولیمه عروسی) داشتند و با شیر و خرما از میهمانان پذیرایی می کردند. پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله به بعضی از بانوان که از ارحام حضرت صلی الله علیه و آله بودند، فرمودند: «شیر بخورید و خرما میل کنید.» آن ها گفتند: «یا رسول الله، میل نداریم.» حضرت صلی الله علیه و آله فرمودند: «لَا تَجْمَعْنَ جُوعاً وَ كَذِباً؛ بین گرسنگی و دروغ برای خودتان [گناه] جمع نکنید!» [یعنی اگر میل داری ولی می گویی میل ندارم؛ این هم دروغ محسوب می شود.] زنان گفتند: «يَا رَسُولَ اللَّهِ إِنَّ قَالَتِ أَحَدُنَا لَيْسَ بِهَا شَيْءٌ لَا نَسْتَهِيهِ أَيْعَدُّ ذَلِكَ كَذِباً؛ ای رسول خدا، مگر ملائکه این موارد را هم می نویسند؟» حضرت صلی الله علیه و آله فرمودند: «إِنَّ الْكُذِبَ لِيُكْتَبَ حَتَّى يُكْتَبَ الْكُذْبُ كُذْبِيهِ؛ ملائکه حتی دروغ های کوچک ما را هم می نویسند.»

(حجة الاسلام هاشمی نژاد، رواق امام خمینی قدس سره، ۸/۱/۸۷)

انسان و دشمنان او

چیزی که در دعا‌های قرآنی به آن تأکید شده است، توجه دادن به دشمن خطرناک بشر؛ یعنی "شیطان" است.

«وَقُلْ رَبِّ أَعُوذُ بِكَ مِنْ هَمَزَاتِ الشَّيَاطِينِ؛ و بگو: «پروردگارا، از وسوسه‌های شیاطین به تو پناه می‌برم.»»^۱

انسان دو دشمن حقیقی دارد؛ یکی دشمن داخلی و دیگری دشمن خارجی. دشمن خارجی؛ شیطان و دشمن داخلی؛ نفس اماره است. دشمن خارجی (شیطان) بدون کمک و همکاری دشمن داخلی (نفس اماره) نمی‌تواند کاری انجام دهد. این دو دشمن با همکاری همدیگر انسان را از پای درمی‌آورند.

«إِنَّمَا سُلْطَانُهُ عَلَى الَّذِينَ يَتَوَلَّوْنَهُ وَالَّذِينَ هُمْ بِهِ مُشْرِكُونَ؛ تسلط او (شیطان) فقط بر کسانی است که او را به سرپرستی خود برگزیده‌اند و آن‌ها که نسبت به او [یعنی خدا] شرک می‌ورزند (و به فرمان شیطان، گردن می‌نهند).»^۲

دشمن داخلی خطرناک‌تر از دشمن خارجی است، زیرا این نفس ما است که ما را تابع شیطان می‌کند؛ همان‌طور که در مسائل دنیوی نیز دشمن‌های داخلی خطرشان از دشمن‌های خارجی بیشتر است. پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله می‌فرماید: «أَعْدَى عَدُوِّكَ نَفْسُكَ الَّتِي بَيْنَ جَنْبَيْكَ؛ دشمن‌ترین دشمن تو، همان نفس توست که میان دو پهلوی توست (که با خود داری).»^۳

خداوند متعال نفس را در وجود انسان قرار داد تا آن را تزکیه و ارتقا دهد و به نفس مطمئنه تبدیل کند؛ اما اگر نفس در مرحله اماره باقی بماند، محل تاخت و تاز شیطان قرار می‌گیرد که امام سجاد علیه السلام از این موضوع به خدا پناه می‌برند و عرض می‌کنند:

«...وَعَمْرِي مَا كَانَ عُمْرِي بِذِلَّةٍ فِي طَاعَتِكَ؛ [خدایا،] به من عمری بده که در راه اطاعت تو صرف شود.»

«فَإِذَا كَانَ عُمْرِي مَرْتَعًا لِلشَّيْطَانِ فَأَقْبِضْنِي إِلَيْكَ قَبْلَ أَنْ يَسْبِقَ مَقْتِكَ إِلَيَّ أَوْ يَسْتَحْكِمَ غَضَبَكَ عَلَيَّ؛ پس آنگاه که عمر من چراگاهی برای شیطان شود؛ آن را از

۱. مؤمنون، ۹۷.

۲. نحل، ۱۰۰.

۳. مجموعه ورام (تبییه الخواطر)، ج ۱، ص ۵۹.

من بگیر (قبض روحم کن)؛ قبل از اینکه غضب به من روی آورد یا خشم بر من استوار گردد.»^۱ مراد از دشمنی و خشم خدای تعالی دوری رحمت اوست. این جمله در دعای "مکارم الاخلاق" آمده است که دعای بسیار خوبی است؛ به همه برادران و خواهران توصیه می‌کنم این دعا را که در کتاب شریف مفاتیح الجنان هم نقل شده، بخوانند. قسمت عمده آن در صحیفه سجادیه آمده است که مجموعه‌ای از اخلاقیات است و امام چهارم علیه السلام به صورت دعا بیان کرده‌اند.

(حجة الاسلام عبد خدایی، مسجد جامع گوهرشاد، ۸۵/۷/۱۸)



آفات گناه

موضوع دیگری که در دعاهای قرآنی به آن تأکید شده، این است که انسان‌ها باید متوجه آفات گناه باشند. گناه بدترین میکروبی است که روحیه انسان را خراب و آلوده می‌کند. در دعا می‌گوییم:

«رَبَّنَا فَاعْفُزْ لَنَا ذُنُوبَنَا وَ كَفِّرْ عَنَّا سَيِّئَاتِنَا وَ تَوَفَّنَا مَعَ الْأَبْرَارِ؛ پروردگارا، گناهان ما را ببخش و بدی‌های ما را بپوشان و ما را با نیکان [و در مسیر آن‌ها] بمیران.»^۱

همان‌طور که وقتی میکروب وارد بدن انسان می‌شود، اگر معالجه نشود، رشد پیدا می‌کند و تبدیل به بیماری مزمنی می‌شود که پزشکان می‌گویند دیگر قابل معالجه نیست؛ گناه نیز آفت بزرگی است و اگر انسان پی‌درپی گناه انجام دهد؛ مثلاً به نامحرم نگاه کند، غیبت کسی را بکند، باعث ناراحتی مسلمانی شود یا گران‌فروشی کند و... دلش چرکین و سیاه می‌شود (قساوت قلب می‌آورد) و روحش کدورت پیدا می‌کند؛ مثل همان بیماری که در بدن رخنه می‌کند و بالاخره انسان را از پای درمی‌آورد. گناه، انسان را به جایی می‌رساند که دیگر لذتی از قرآن و معنویات نمی‌برد و حالت معنوی و ذوق و شوقی در حال دعا پیدا نمی‌کند.

امام سجاد علیه السلام در دعای شریف ابو حمزه ثمالی، آفات گناه را بیان می‌کند؛ درست مثل پزشکی که نوعی بیماری را تحلیل می‌کند و علت‌های آن را برمی‌شمارد.

امام سجاد علیه السلام [برای اینکه دیگران یاد بگیرند] در دعا به خداوند عرض می‌کنند:

«اللَّهُمَّ إِنِّي كَلِمًا قُلْتُ قَدْ تَهَيَّأْتُ وَ تَعَبَّأْتُ [تَعَيَّبْتُ] وَ قُمْتُ لِلصَّلَاةِ بَيْنَ يَدَيْكَ وَ نَاجَيْتُكَ أَلْقَيْتَ عَلَيَّ نُعَاسًا إِذَا أَنَا صَلَّيْتُ وَ سَلَبْتَنِي مُنَاجَاةَكَ إِذَا أَنَا نَاجَيْتُ مَا لِي، خدایا، هرگاه گفتم مهیا و آماده شدم و در پیشگاهت به نماز ایستاده و با تو مناجات کردم؛ آنگاه که وارد نماز شدم، چرتی بر من افکندی و آنگاه که با تو راز و نیاز کردم، حال مناجات را از من گرفتی! (به راستی) مرا چه شده؟!»

آن وقت حضرت چند علت برای این کار بیان می‌کنند و می‌گویند:

«... لَعَلَّكَ وَجَدْتَنِي فِي مَقَامِ الْكَاذِبِينَ فَرَفَضْتَنِي أَوْ لَعَلَّكَ رَأَيْتَنِي غَيْرَ شَاكِرٍ لِنِعْمَائِكَ فَحَرَمْتَنِي أَوْ لَعَلَّكَ فَقَدْتَنِي مِنْ مَجَالِسِ الْعُلَمَاءِ فَحَدَلْتَنِي أَوْ لَعَلَّكَ رَأَيْتَنِي فِي الْغَافِلِينَ فَمِنْ رَحْمَتِكَ أَمْسَتَنِي أَوْ لَعَلَّكَ رَأَيْتَنِي أَلْفَ مَجَالِسِ الْبَطَّالِينَ فَبَيَّنِي وَ بَيَّنَّهُمْ حَلَّتَنِي؛ شاید



مرا در جایگاه دروغگویان یافتی؛ پس به دورم انداختی، یا شاید مرا نسبت به نعمت‌هایت ناسپاس دیدی؛ پس محرومم نمودی، یا شاید مرا از هم‌نشینی دانشمندان (اهل علم و معرفت) غایب یافتی؛ پس خوارم نمودی، یا شاید مرا در گروه غافلان دیدی؛ پس از رحمتت ناامیدم کردی، یا شاید مرا اُنس یافته با مجالس بی‌کاره‌ها دیدی؛ پس مرا به آنان وا گذاشتی.»^۱

در بعضی مجالس، افراد تا نیمی از شب مشغول متلک‌گفتن و بگو و بخند هستند. آیا واقعاً ما برای این آفریده شده‌ایم که زندگی مان به این مسائل بگذرد یا هدفی در زندگی ما وجود دارد؟! نمی‌گوییم خوش مشرب نباشید؛ نه! بلکه شما باید انسانی خوش اخلاق، خوش برخورد و شادمان باشید، اما از طرفی هم نباید زندگی تان به بطالت بگذرد.

(حجة الاسلام عبد خدایی، مسجد جامع گوهرشاد، ۸۵/۷/۱۸)



نگرانی محدث قمی رحمته

محدث قمی رحمته؛ مرد بسیار بزرگی بود و خداوند توفیقی به او داده که به کمتر فردی از بزرگان ما عطا شده است. وقتی شما مفاتیح به دست می‌گیرید و به عنوان مثال، دعای کمیل را می‌خوانید؛ در عالم برزخ، فیض عظیمی نصیب محدث قمی رحمته می‌شود. ایشان در سگرات موت (سختی‌های مرگ) بسیار گریه می‌کردند. از او پرسیدند: «آقا! چرا این قدر گریه می‌کنید؟!» ایشان فرمودند: «من در همه دوران عمرم فقط یک دروغ گفته‌ام که به نظر خودم، آن دروغ هم مصلحتی بوده است. همه نگرانی‌ام به خاطر این است که اگر خدا در صحرای قیامت توجیه مرا برای این دروغ نپذیرد، من در حضور خداوند متعال و ائمه معصومین علیهم‌السلام با یک دروغ در پرونده‌ام چه کنم و در جواب خدا چه بگویم؟!»

(حجة الاسلام هاشمی نژاد، رواق امام خمینی قدس سره، ۸/۱/۸۷)

سه ناحیه خطرناک

زبان را از گناهان مربوط به آن حفظ کن. شکمت را از لقمه حرام حفظ کن. شهوت خود را از ارتباط نامشروع حفظ کن. تمام گرفتاری های این چند میلیارد جمعیت کره زمین، به خاطر همین سه عضو است؛ وگرنه مردم از نواحی دیگر گرفتاری ندارند! شکم است که مردم ضعیف و پست را وادار به رباخواری، دزدی، اختلاس، غصب، رشوه، خوردن مال یتیم یا خوردن ارث برادر و خواهر می کند. زبان است که انسان را در اوج نفاق و دورویی قرار می دهد. شهوت است که این همه گناه، زنا و... را در دنیا به صورت سفره عمومی پهن کرده است. شهوت ران است که چشمش در اختیار نگاه به ناموس مردم است و زبانش برای ارتباط با آن ها کار می کند.

(حجة الاسلام حسین انصاریان، صحن جمهوری اسلامی، ۳/۳/۸۷)



عاقبت گناه کردن

گناه، انسان را از پای در می آورد و به جایی می رساند که دیگر عشق و علاقه ای به آیات الهی نخواهد داشت. خداوند در آیه ای از قرآن کریم که بسیار تکان دهنده است می فرماید:

«ثُمَّ كَانَ عَاقِبَةُ الَّذِينَ أَصَاءُوا الشُّرَاىَ أَنْ كَذَّبُوا بِآيَاتِ اللَّهِ وَ كَانُوا بِهَا يَسْتَهْزِءُونَ؛ سپس فرجام کسانی که اعمال بد مرتکب شدند، به جایی رسید که آیات خدا را تکذیب کردند و پیوسته آن ها را مسخره می نمودند.»^۱

وقتی انسان زیاد گناه کرد، به جایی می رسد که آیات خدا را تکذیب و استهزاء می کند. اول بدحجابی می کند، بعد به جایی می رسد که می گوید این حرف ها چیست؟ ما نمی توانیم عقب مانده زندگی کنیم.

گناه خطری است که عاقبت آن، رسیدن به انکار و تمسخر آیات خداوندست؛ و تنها چاره اش، توبه و استغفار است.

روی قطعه سنگ صافی، مقداری گرد و غبار و آلودگی وجود دارد، ولی وقتی باران بارید؛ همه را پاک می کند. اگر انسان واقعاً در خانه خدا برود و بگوید:

«رَبَّنَا فَاعْفُزْ لَنَا ذُنُوبَنَا وَ كَفِّرْ عَنَّا سَيِّئَاتِنَا وَ تَوَفَّنَا مَعَ الْأَبْرَارِ؛ پروردگارا، گناهان ما را بیمارز و بدی های ما را بپوشان و ما را در زمره نیکان بمیران.»^۲

آن وقت است که خدا توبه ما را می پذیرد و مهم تر از آن، خداوند وعده داده است که اگر توبه و استغفار کردی و واقعاً برگشتی، بدی هایت تبدیل به خوبی می شود.

خداوند در قرآن کریم می فرماید: «کسانی که نافرمانی خدا کنند؛ عذاب خوارکننده ای دارند.»

«إِلَّا مَنْ تَابَ وَ آمَنَ وَ عَمَلَ صَالِحًا فَأُولَئِكَ يُبَدِّلُ اللَّهُ سَيِّئَاتِهِمْ حَسَنَاتٍ وَ كَانَ اللَّهُ غَفُورًا رَحِيمًا؛ مگر کسی که توبه کند و ایمان آورد و عمل صالح انجام دهد، پس خداوند

بدی هایشان را به نیکی ها تبدیل می کند و خدا همواره آمرزنده مهربان است.»^۳

اگر من و شما توبه کنیم؛ بدی هایمان تبدیل به خوبی می شود، خود خواهی مان تبدیل به خیر خواهی می شود. انسان یک عمر برای خودش جان می کند و یک روز

۱. روم، ۱۰.

۲. آل عمران، ۱۹۳.

۳. فرقان، ۷۰.

هم می‌میرد و همهٔ اموالش را برای ورثه‌اش می‌گذارد. بهتر است به این فکر کنیم که افراد دیگری هم می‌توانند از وجود ما استفاده کنند؛ می‌توانیم قرض بدهیم و یا بی‌خانه‌ای را خانه‌دار کنیم.

اگر فردی عصبی بودی که سر هیچ و پوچ داد می‌کشیدی و بعد از توبه، آدم خوش اخلاق و مهربانی شدی؛ حرف‌های بدت تبدیل به خوبی می‌شود. به واسطهٔ توبه و استغفار، خدا تحول عظیمی در انسان ایجاد می‌کند.

گر خطا گفتیم، اصلاحش تو کن
مصلحی تو، از تو اصلاح سخن
کیمیا داری که تبدیلیش کنی
گر چه جوی خون بُوَد، نیکش کنی
این همه میناگری‌ها، کارتوست
این همه اکسیرهٔ، زاسرار توست
خداوند از دل خاک تیره با آبِ بی‌رنگ و گُود بدبو، صدها گل رنگارنگ می‌آفریند.
بیایید فکر کنیم و عیب‌هایمان را تصفیه کنیم و نفسمان را از گناه پاک کنیم.

«رَبِّ اغْفِرْ وَارْحَمْ وَتَجَاوَزْ عَمَّا تَعَلَّمَ إِنَّكَ أَنْتَ الْأَعَزُّ الْأَجَلُّ الْأَكْرَمُ»؛

خدایا، ببخش و رحم کن. من به دستِ شیطان و نفس اماره در سراسیمگی گناه قرار گرفته‌ام؛ تو دستم را بگیر. خدایا، گناهای انجام داده‌ام که هیچ‌کس نمی‌داند؛ تو آن‌ها را پوشان‌دی.

چیزهایی هست که فقط خودِ انسان و خداوند می‌داند و فرد دیگری از آن خبر ندارد؛ خدا از باطن همه آگاه است.

(حجة الاسلام عبد خدایی، مسجد جامع گوهرشاد، ۸۵/۷/۱۸)



فرستی برای تطهیر

دعا، فرستی است تا ما را تطهیر، پاک و بیدار کند. این دعاها باید موجب بیداری دل باشد؛ وگرنه لقلقهٔ زبان است. بهتر است قبل از دعا، نگاهی در خلوت به دل‌مان داشته باشیم و ببینیم این دل با چه وضعیتی می‌خواهد فریاد "یا رَبِّ، یا رَبِّ" سردهد؟

آیا خداوند نفرموده است دروغ نگویند، غیبت نکنید، تهمت نزنید، مال مردم را نخورید، دنبال شهوت و غضب نباشید، این‌گونه دلتان را محل کدورت قرار ندهید، اختلافات و بد اخلاقی‌هایتان را نسبت به همسرتان و بقیه، کنار بگذارید و اگر گناهی کردید؛ توبه کنید که قبول می‌کنم؟! اما با وجود این همه سفارش، ما باز هم در غفلت زندگی می‌کنیم و هر جا که با مشکلی روبه‌رو می‌شویم، می‌گوییم: خدایا، حاجتمان را برآورده کن! پس چرا حاجت ما برآورده نمی‌شود؟! چون ما به خواسته‌های خداوند پاسخ مثبت نداده‌ایم و بندگی او را کاملاً انجام نمی‌دهیم.

(حجة الاسلام مرحوم مهندسی، رواق امام خمینی رحمته، ۲۷/۳/۹۰)

انسان و خواهش های سوزنی!

وقتی هنگام دعا از خدا حاجتی را می طلبیم نباید برای او تکلیف معین کنیم و بگوییم خدایا، تو باید این حاجت مرا بدهی! قرار نیست خدا، خودش را با ما تنظیم کند؛ بلکه این ما هستیم که باید خودمان را با خدا تنظیم کنیم. قرار نیست ما به خدا بگوییم چه کار بکند؛ خدا باید به ما امر کند، ما فقط از او خواهش می کنیم.

باید بگوییم: «خدایا، ما با این فهم و عقل ناقصمان [و بنا بر آموزه هایی که اهل بیت (علیهم السلام) به ما یاد داده اند] احساس می کنیم این حاجت ها را می خواهیم؛ همسر و فرزند خوب، خانه و مرکب مناسب، شغل خوب، اخلاق مناسب، رزق حلال و...، این ها جنبه دنیایی دارند، و یا زیارت خانهات، قبور اولیایت، توفیق و عاقبت به خیری، شفای بیماران و...»؛ یعنی بگوییم: «خدایا، دارم براساس آنچه که می فهمم از تو می خواهم.» نکته دیگر این است که بگوییم: «خدایا، من گفتم چه می خواهم؛ اما اگر مصلحت است، برآورده کن و اگر مصلحت نیست، اجابت نکن.»

برای بعضی از جوان ها مثالی می زنم؛ بچه ای در عالم کودکی اش کنار چرخ خیاطی مادرش می رود. مادر در حال دوخت و دوز است و بچه، سنجاق یا سوزنی را از مادرش تقاضا می کند. مادر به اقتضای مادر بودن، که اشرفش به صلاح بچه بیشتر است، به او سوزن و سنجاق نمی دهد. شاید بچه از اینکه مادرش به او سنجاق نداده ناراحت شود و اگر اصرار بیشتری بکند؛ ممکن است مادر، سنجاقی هم روی دستش بزند.

ای مردم، به خدا بعضی خواهش هایی که ما از خداوند داریم، خواهش سنجاقی و سوزنی است! خدا هم چون ما را دوست دارد حاجتمان را نمی دهد. ما نمی فهمیم؛ ولی او (خداوند) می داند.

اگر خدا به ما عنایتی کرد؛ باید تشکر کنیم و اگر عطا نکرد؛ باز هم باید تشکر کنیم و بگوییم حتماً مصلحت من در این نبوده است.

(حجة الاسلام ماندگاری، صحن جامع رضوی، ۲/۶/۹۰)



از این خانه دور نشو

حافظ وظیفه تو دعا کردن است و بس در بند این مباحث که نشنید یا شنید تو کار خودت (عمل به دستورات الهی و دعا کردن) را انجام بده؛ خداوند ارحم الراحمین می داند به تو چه چیزی عطا کند. او (خداوند) از آینده و گذشته تو آگاه است. خداوند درجه وجودی تو را می شناسد و مطابق با آنی که هستی با تو عمل می کند. بنابراین، بهترین راه و عمل این است که انسان دستش را به سوی پروردگار عالم دراز کند و "یا الله و یا الله..." از لبش نیفتد و به آن دژ محکم پناهنده شود.

اگر خدا بخواهد به تو چیزی عطا کند؛ اجازه می دهد تو درباره آن دعا کنی؛ یعنی در ذممت می آورد. پیامبر اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ می فرماید:

«إِنَّ اللَّهَ إِذَا أَرَادَ أَنْ يَسْتَجِيبَ لِعَبْدٍ إِذَنْ لَهُ فِي الدُّعَاءِ؛ زَمَانِي كَمَا خَدَّوَانِدَ ارَادَةَ اسْتِجَابَتِ خَوَاسْتَهُ بِنَدَاهِشَ رَا بِنْمَايِد، بَه اَو اِجَازَهُ دَعَا كَرْدَن مِي دَهْد.»
(آیه الله ممدوحی "حفظه الله تعالى"، دارالقرآن صحن جمهوری اسلامی، ۸۷/۵/۷)

یوسف گمگشته

وجود نازنین امام مهدی "عَجَلُ اللَّهِ تَعَالَى فَرَجَهُ الشَّرِيفُ" می فرماید: «وَ أَكْثِرُوا الدُّعَاءَ بِتَعْجِيلِ الْفَرَجِ فَإِنَّ ذَلِكَ فَرَجُكُمْ؛ برای تعجیل در ظهور، بسیار دعا نمایید که گشایش کارهای شما نیز می باشد.»^۱

قوم یونس پیامبر علیه السلام، وقتی پیغمبرشان را از دست دادند؛ از شهر و دیارشان بیرون آمدند و دست به دعا برداشتند. با دعا و توسل؛ خداوند، پیامبرشان را به آنها برگرداند. بیاید ما هم دست به دعا برداریم و بگوییم: «اللَّهُمَّ عَجِّلْ لَوْلِيكَ الْفَرَجَ»
(حجة الاسلام عزیزی، صحن جمهوری اسلامی، ۹۰/۴/۹)



خلاصه بخش پنجم

* مصایب و مشکلاتی که بر زندگی ما عارض می شود از سه ناحیه است که عبارت اند از: «بازتاب اعمال خودمان و بی تدبیری و یا امتحان الهی».

* اگر دیدید دعایتان مستجاب نشد، مبادا ناامید شوید و به درگاه خداوند گله کنید!

* یکی از شروط استجاب دعا، ایمان به پیامبران الهی علیهم السلام است.

* گاهی ما چیزی را دوست داریم که به ضررماست و گاهی هم از چیزی کراهت داریم (بدمان می آید)؛ ولی خیر ما در آن است!

* اگر درون (وجود) ما گرفتار حسد، بخل، کینه، دورویی، تعصب بی جا، لجبازی یا... باشد؛ دعایمان مستجاب نمی شود.

* اگر ما عاشقیم و خداوند معشوق ماست؛ عاشق غیر از در خانه معشوق کجا را دارد؟! را دارد؟!

* آدم گناهکار، پلید است و دعایش مستجاب نمی شود.

* حضرت ثامن الحجج؛ آقا علی بن موسی الرضا علیه السلام فرمودند: «هرگاه بندگان، گناهان جدیدی مرتکب شوند که تا قبل از آن مرتکب نمی شدند؛ خداوند بلاهایی جدید برای آن ها می فرستد که از آن آگاه نیستند».

* چگونه انتظار داری خداوند دعای زبانی را که گناهان بسیاری انجام داده بپذیرد؟! را بپذیرد؟!

* انسان دو دشمن حقیقی دارد؛ یکی دشمن داخلی (نفس اماره) و دیگری دشمن خارجی (شیطان).

دشمن خارجی (شیطان) بدون کمک و همکاری دشمن داخلی (نفس اماره) نمی تواند کاری انجام دهد.

* گناه مانند میکروب وقتی وارد وجود انسان می شود، اگر معالجه نشود، رشد پیدا می کند و تبدیل به بیماری مزمنی می شود.

* گناه، انسان را از پای درمی آورد و به جایی می رساند که دیگر عشق و علاقه ای به آیات الهی نخواهد داشت.

* اگر من و شما توبه کنیم، بدی هایمان تبدیل به خوبی می شود.

* دعا فرصتی است تا ما را تطهیر، پاک و بیدار کند. این دعاها باید موجب

بیداری دل باشد؛ وگرنه لقلقه زبان است..

* تو کار خودت (عمل به دستورات الهی و دعاکردن) را انجام بده؛ خداوند
ارحم الراحمین می داند به تو چه چیزی عطا کند. او (خداوند) از آینده و گذشته
تو آگاه است.



